# اطلاعات روز

ETILAATROZ.COM

چهارشنبه | ۱۲ قوس ۱۳۹۹ | ۲ دسامبر ۲۰۲۰ | سال نهم | شماره ۲۰۳۸ | ۸ صفحه


**غیرنظامیان ربوده‌شده توسط طالبان در «جلریز» میدان‌وردک رها شدند**

صفحه ۲

**«با گذشت دو روز، زخمیان ارتش از ولسوالی بالامرغاب بادغیس به شفاخانه منتقل نشده‌اند»**

صفحه ۲

# پنج نامزدوزیر و نامزد ریاست بانک مرکزی برنامه‌های‌شان را به مجلس ارائه کردند

**اطلاعات روز: در ادامه‌ی روند رأی‌دهی به اعضای کابینه‌ی حکومت توسط مجلس نمایندگان، شش عضو دیگر کابینه نیز برنامه‌های کاری شان را به این مجلس ارائه کردند. مجیب‌الرحمان کریمی، نامزدوزیر احیا و انکشاف دهات، محب‌الله صمیم، نامزدوزیر اقوام و قبایل، احمدجواد عثمانی، نامزدوزیر صحت عامه، رنگینه حمیدی نامزدوزیر معارف و** | صفحه ۲

مشاور رییس‌جمهور:

## مذاکرات صلح را به بُن‌بست نکشانده‌ایم

۲


۲ «شفاخانه‌ها در هرات از بیماران وخیم کووید۱۹ پُر شده است»

۶ کاهش ۲۴ درصدی تولید گازهای گلخانه‌ای در اتحادیه اروپا از سال ۱۹۹۰

۷ کومان: چرا بازهم به مسی استراحت دادم؟

۷ خابی مارتینس: دوست دارم حضور در تیم دیگری را تجربه کنم

## دو کودک در یک حمله‌ی هوایی در غزنی کشته شدند

اطلاعات روز: یک منبع معتبر حکومتی در ولایت غزنی می‌گوید که در نتیجه‌ی یک حمله‌ی هوایی در ولسوالی خواجه‌عمری این ولایت، دو کودک کشته شده‌اند...

صفحه ۲

کابل‌نان؛

## صدایی از درون دکان سرد قصابی

صفحه ۳

## «از زیر چکه به زیر ناودان»

رانندگان پس از ممنوعیت دو نفر در چوکی پیش‌رو، اضافه‌ستانی می‌کنند

صفحه ٤

یادداشت‌روز

## عطش طالبان برای تخریب

در کمتر از دو هفته گذشته طالبان دو پل ارتباطی مهم را تخریب کرده‌اند. هفته پیش این گروه پل کمنج بر فراز رودخانه‌ی هریرود در ولسوالی شهرک ولایت غور را تخریب کرد. تخریب این پل برای ولایت محروم غور مشکلات زیادی را به بار آورده است. بخش زیادی از نیازمندی‌های غور از طریق شاهراه هرات و غور تأمین می‌شود. با تخریب این پل تأمین نیازمندی‌های ولایت غور بسیار سخت شده است. همچنان در تازه‌ترین مورد طالبان دو شب پیش یک پل را در ولسوالی خواجه سبزپوش ولایت فاریاب انفجار داده‌اند. هر نقطه‌ای از شاهراه‌های کشور نشان زخم طالبان بر تن دارد. در این اواخر طالبان تخریب راه‌های ارتباطی میان شهرها را بیشتر کرده است. کارگذاری ماین در جاده‌ها و زیر پلچک‌های ارتباطی بخش از استراتژی جنگی طالبان است. حتا بارها گزارش‌هایی به نشر رسیده که طالبان یک جاده و بزرگراه را با تراکتور تخریب کرده‌اند. کارنامه‌ی طالبان پر است از تخریب زیربناها. از شاهراه‌ها گرفته تا ساختمان‌های مکاتب، پایه‌های مخابراتی، بندهای آب، پایه‌های برق و هر نوع تأسیسات عامه نشان زخم طالبان را بر تن دارد...

۲

ترجمه

## چگونه بفهمیم که جامعه در آستانه‌ی فروپاشی است؟ (۲)

مکانانی به تفاوت بین جوامع در مناطق پست شمالی و جنوبی مایا طی هزاره اول میلادی اشاره می‌کند. مناطق جنوبی -آنچه که اکنون گواتمالا، بلیز و مناطقی از جنوب مکزیک شناخته می‌شود | صفحه ٤

گزارش

سیاست طالبان:

## کشتار و انکار؟

ریاست عمومی امنیت ملی افغانستان می‌گوید طالبان سیاست انکار در پیش گرفته است. این نهاد امنیتی گفته که «گروه تروریستی طالبان مبتنی بر هدایت شورای کویته، در صدد است تا در ساحاتی که تجمعات مردم زیاد باشد، حملات تروریستی انجام دهند. به این گروه وظیفه داده شده است تا بعد از انجام حملات تروریستی از گرفتن مسئولیت ابا ورزند.»

پس از امضای توافق‌نامه صلح دوحه | صفحه ٥

گزارش

## سینما، امکانی برای شادی

نخستین جشنواره ملی فیلم لاجورد پایان یافت

«جشنواره ملی لاجورد» نخستین جشنواره ملی سینمای افغانستان پس از ده روز و نمایش فیلم در جاهای مختلف پایان یافت. در این جشنواره ۲۱۰ فیلم داخلی برای دریافت تندیس زرین این جشنواره در بخش‌های مختلف وارد رقابت شده که از این میان ۵۵ فیلم به بخش نهایی راه یافته بودند. فیلم‌هایی که در این جشنواره به نمایش گذاشته شدند در سه بخش داستانی، مستند و انیمیشن تهیه شده بود.

این جشنواره با شعار «لاجورد، تولد دوباره سینمای افغانستان» فعالیت خود را آغاز کرده است. تمام دست‌اندکاران این جشنواره افراد داخلی‌اند و هیأت داوران آن نیز اکثرا استادان دانشگاه هستند. به گفته مسئولان برگزارکننده به‌رغم بعضی کاستی‌هایی که این جشنواره داشت، اما به‌صورت کلی هنرمندان و صاحب‌نظران حوزه سینما و فرهنگ برگزاری این جشنواره را نشانه‌های «پیشرفت» و...

۳

ادامه‌یادداشت‌روز

هرچند برآورد دقیقی وجود ندارد، اما در یک حساب سرانگشتی طالبان تا کنون از طریق ویران‌سازی تأسیسات عامه میلیاردها افغانی به مردم افغانستان آسیب رسانده‌اند. علاوه بر این طالبان به تکرار مانع برنامه‌های توسعه‌ای شده و تأسیسات زیرساختی را بارها هدف قرار داده‌اند. رویکرد ستیزه‌جویانه‌ی طالبان با تأسیسات عامه را کسی نمی‌تواند انکار کند. طالبان هرچند در حرف بارها ادعا کرده‌اند که از پروژه‌های انکشافی در افغانستان حمایت و حفاظت می‌کنند، اما در عمل تأسیسات عامه جز اهدافی نظامی این گروه قرار داشته یا دست‌کم هیچ پروایی مصونیت دارایی‌ها عامه را نداشته‌اند. انفجار هرروزه‌ی پل‌های ارتباطی، تخریب شاهراه‌ها با تراکتور، سوختاندن مکتب‌ها و درمانگاه‌ها در شرق و غرب کشور شاهد این ادعا است.

پل‌های ارتباطی و راه‌های پخته‌ی مواصلاتی باعث رفاه و آسایش مردم در انتقال بیماران به مرکزهای درمانی می‌شود. همچنین تأسیسات عامه جزء دارایی عامه است. صدمه‌زدن به دارایی عامه توجیه ندارد. جز این‌که بپذیریم برای طالبان حمایت و حفاظت از تأسیسات عامه فقط یک ادعا است. از نظر دینی که طالبان مدعی آن است صدمه‌رساندن به دارایی فردی و دارایی عامه با زور، خشونت، و دهشت از مصادیق «فساد فی‌الارض» است و از نظر اسلام حرام است. مضاف بر این، معنای این رفتار طالبان و صدمه‌زدن به دارایی‌های عامه بی‌پروایی به رفاه، آسایش و نیازهای شهروندان است.

تخریب زیربنا برای طالبان تنها ماهیت جنگی و نظامی ندارد. تخریب و ویران‌گری از اندیشه طالبان نشأت می‌گیرد. در طول دوران حکومت طالبان افغانستان یک مورد بازسازی و توسعه را شاهد نبود. هیچ سندی که نشان‌دهنده طرح طالبان برای توسعه بازسازی افغانستان باشد وجود ندارد. به‌جای آن طالبان با تخریب بودای بامیان سیاه‌ترین فصل تاریخ افغانستان را رقم زدند. رویدادی که می‌تواند نمادی ضدیت طالبان با توسعه، بازسازی، آبادانی و فرهنگ تلقی شود. مهم‌تر از آن طالبان در دفاع خود انگیزه اصلی بت‌شکنی را مذهبی قلمداد کرده‌اند. از این رویکرد طالبان این نتیجه‌گیری و مقایسه به‌دست می‌آید که تخریب و بی‌پروایی در قبال دارایی‌های عامه از اندیشه این گروه نشأت می‌گیرد.

دست‌کم در ماه‌های اخیر و همزمان با سردرگمی روند صلح افغانستان تخریب پل‌های ارتباطی و شاهراه‌ها بیشتر شده است. از نظر سیاسی به‌نظر می‌رسد طالبان همزمان با گفت‌وگوهای صلح سیاست «قتل با هزار زخم» را جدی‌تر دنبال می‌کند. قتل با هزار زخم راهبردی است که در دهه‌ی هشتاد خورشیدی جنرال اختر عبدالرحمان، رییس آن زمان سازمان اطلاعات پاکستان برای زمین‌گیرکردن نیروهای ارتش سرخ شوری به کار بست. این رویکرد در همان زمان نتیجه داد و در نهایت ابتکار عمل را از حکومت آن زمان در افغانستان گرفت. بخشی از عطش طالبان برای تخریب و ویران‌گری از همین راهبرد ریشه می‌گیرد.

## پنج نامزدوزیر و نامزد ریاست بانک مرکزی برنامه‌های‌شان را به مجلس ارائه کردند

اطلاعات روز: در ادامه‌ی روند رأی‌دهی به اعضای کابینه‌ی حکومت توسط مجلس نمایندگان، شش عضو دیگر کابینه نیز برنامه‌های کاری شان را به این مجلس ارائه کردند.

مجیب‌الرحمان کریمی، نامزدوزیر احیا و انکشاف دهات، محب‌الله صمیم، نامزدوزیر اقوام و قبایل، احمدجواد عثمانی، نامزدوزیر صحت عامه، رنگینه حمیدی نامزدوزیر معارف و کریمه حامد فاریابی، نامزدوزیر اقتصاد پنج نامزدوزیری بودند که دیروز (سه‌شنبه، ۱۱ قوس) برنامه‌های کاری‌شان را در مجلس نمایندگان مطرح کردند. همچنان اجمل احمدی، نامزد ریاست بانک مرکزی (د افغانستان) بانک نیز برنامه‌ی کاری خود را در مجلس نمایندگان ارائه کرد.

تاکنون ۱۷ عضو کابینه از سوی مجلس نمایندگان رأی اعتماد گرفته‌اند. این افراد شامل وزیران وزارت‌های امور خارجه، امور داخله، دفاع ملی، مالیه، کار و امور اجتماعی، مخابرات و تکنالوژی معلوماتی، تحصیلات عالی، صنعت و تجارت، عدلیه و وزارت حج و اوقاف می‌شوند.

همچنان وزیران معادن و پترولیم، زراعت، آبیاری و مالداری، مهاجرین و عودت‌کنندگان ترانسپورت، شهرسازی و اراضی و فواید عامه نیز از جمله‌ی این ۱۷ عضو کابینه است. یک عضو دیگر آن نیز شامل رییس عمومی امنیت ملی می‌شود.

همچنان نامزدوزیران پیشنهادی حکومت برای وزارت‌های اطلاعات و فرهنگ و امور زنان نتوانستند رأی اعتماد اعضای مجلس نمایندگان را به دست بیاورند.

## غیرنظامیان ربوده‌شده توسط طالبان در «جلریز» میدان‌وردک رها شدند

اطلاعات روز: مسئولان محلی در ولایت میدان‌وردک می‌گویند که غیرنظامیان ربوده‌شده توسط جنگ‌جویان گروه طالبان در ولسوالی جلریز این ولایت، رها شده‌اند.

محب‌الله شریف‌زی، سخن‌گوی والی میدان‌وردک به روزنامه اطلاعات روز گفت که از ۲۸ غیرنظامی ربوده‌شده توسط طالبان در ولسوالی جلریز، ۱۱ نفر آنان شب گذشته (دوشنبه، ۱۰ قوس) با تلاش اداره‌ی محلی و پادرمیانی متنفذان قومی، رها شده‌اند. آقای شریف‌زی افزود که ۱۷ نفر دیگر آنان نیز چند روز پیش توسط طالبان رها شده بودند.

جنگ‌جویان طالبان این غیرنظامی را روز چهارشنبه‌ی هفته‌ی گذشته (۵ قوس) از منطقه‌ی «سیاه‌پیتاب» ولسوالی جلریز ربوده بودند. این افراد زمانی ربوده شده که از ولسوالی‌های حصه‌ی اول بهسود و سرچشمه‌ی این ولایت و ولایت بامیان به طرف کابل در حرکت بودند.

مهدی راسخ، نماینده‌ی مردم میدان‌وردک در مجلس نمایندگان در آن هنگام به روزنامه اطلاعات روز گفته بود که این افراد توسط سیدتقی مشهور به «بچه‌ی سیدفروتن» که اخیرا به گروه طالبان پیوسته، ربوده شده بودند.

گروه طالبان هنوز در این موارد چیزی نگفته است.

ولایت میدان‌وردک در جنوب کابل از ولایت‌های ناامن است که جنگ‌جویان گروه طالبان در بخش‌هایی از این ولایت از جمله ولسوالی جلریز حضور و فعالیت گسترده دارند.

مشاور رییس‌جمهور:

## مذاکرات صلح را به بُن‌بست نکشانده‌ایم

اطلاعات روز: وحید عمر، مشاور ارشد رییس‌جمهور اشرف غنی و رییس عمومی اداره ارتباطات عامه و استراتژیک ریاست‌جمهوری می‌گوید که حکومت افغانستان مذاکرات صلح را به بُن‌بست نکشانده است.

آقای عمر دیروز (سه‌شنبه، ۱۱ قوس) در توییتی نوشته است که حکومت افغانستان نه تنها مذاکرات را به بُن‌بست نکشانده، بلکه برعکس، امتیازاتی به طالبان که حتا حاضر نیست حکومت افغانستان را به رسمیت بشناسد، داده است.

عمر افزوده است امتیازاتی که از سوی حکومت افغانستان به گروه طالبان داده شده است، هیچ حکومت دیگر در جهان حاضر نیست چنین امتیازاتی را بپردازد. به گفته‌ی او، طالبان برای گرفتن امتیازات بیشتر به کشتن مردم متوسل می‌شوند و فکر می‌کنند که خشونت و ترور به نفع آن‌هاست.

پیشتر روزنامه نیویورک تایمز به نقل از منابعی گزارش کرده بود که با وجود توافق احتمالی طالبان و هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان روی طرزالعمل مذاکرات، رییس‌جمهور اشرف غنی به هیأت مذاکره‌کننده اجازه نداده است که این روند پیشرفت داشته باشد.

براساس این گزارش که در آن از سه مقام دولتی نقل شده، آقای غنی تأکید دارد که دولت افغانستان در طرزالعمل مذاکرات باید به نام رسمی آن «جمهوری اسلامی افغانستان» یاد شود. به نقل از نیویورک تایمز، این جزئیات که رییس‌جمهور غنی روی آن تأکید دارد، در گذشته نیز باعث توقف مذاکرات شده است.

به دنبال نشر این گزارش، صدیق صدیقی، سخن‌گوی ارگ ریاست‌جمهوری دو روز پیش ادعای مطرح شده در گزارش را بی‌اساس خوانده بود.

آقای صدیقی همچنان گفته بود که رییس‌جمهور غنی همواره تلاش‌هایی را در راستای تحرک بخشیدن به گفت‌وگوهای صلح رهبری کرده است.

او رهایی پنج‌هزار زندانی طالب را یک گام شجاعانه‌ای خوانده است که از سوی غنی به‌منظور سرعت‌بخشیدن به گفت‌وگوهای صلح برداشته شده است. حسن نیتی که به گفته‌ی او، از سوی طالبان پاسخ مثبت داده نشده است.

در هشتم قوس، محمدنعیم، سخن‌گوی دفتر سیاسی طالبان در قطر اعلام کرد طرزالعمل مذاکرات میان این گروه و هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان در ۲۱ مانده نهایی و تکمیل شده است.

ساعاتی پس از آن، احمدنادر نادری، سخن‌گوی هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان در رشته‌توییتی اعلام کرد که با هیأت مذاکره‌کننده‌ی طالبان در مورد ۲۱ ماده‌ی طرزالعمل مذاکرات در اصول به توافق رسیده‌اند، اما متن مقدمه‌ی این طرزالعمل هنوز هم به وضاحت و بحث بیشتر نیاز دارد.

پس از آن، سخن‌گوی دفتر سیاسی طالبان در قطر یک‌بار دیگر در توییتی اعلام کرد که همه چیز در مورد طرزالعمل مذاکرات نهایی و تکمیل شده است.

## «شفاخانه‌ها در هرات از بیماران وخیم کووید۱۹ پُر شده است»

اطلاعات روز - هرات: مسئولان صحی در ولایت هرات می‌گویند که شفاخانه‌های کووید۱۹ در شهر هرات از مریضان وخیم این ویروس پُر شده است.

عبدالحکیم تمنا، رییس صحت عامه‌ی هرات دیروز (سه‌شنبه، ۱۱ قوس) گفته است که مصرف آکسیجن برای بیماران کرونا بیش از حد زیاد شده است.

او افزوده است که به‌زودی در کنار شفاخانه‌ی کووید۱۹ «شیدایی»، «شفاخانه‌ی گازرگاه» نیز برای درمان بیماران کووید۱۹ آغاز به فعالیت می‌کند.

او از ساکنان هرات خواسته است که کرونا را جدی بگیرند و به پوشیدن ماسک و حفظ نکات صحی توجه کنند.

مسئولان صحی هرات می‌گویند که روزانه ۴۰۰ الی ۷۰۰ بالن اکسیجن در هرات برای بیماران کووید۱۹ مصرف می‌شود.

هرات کانون شیوع کرونا در سطح افغانستان است. آمار مسئولان صحی هرات نشان می‌دهد که تاکنون بیش از هفت‌هزار و ۷۰۰ نفر به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند. از این میان، ۳۰۲ نفر فوت کرده و ۹۹ نفر هم‌اکنون تحت مراقبت جدی در شفاخانه‌ها قرار دارند.

## «با گذشت دو روز، زخمیان ارتش از ولسوالی بالامرغاب بادغیس به شفاخانه منتقل نشده‌اند»

اطلاعات روز: فرید اخیزی، عضو شورای ولایتی بادغیس می‌گوید که ۱۰ سرباز ارتش که در نتیجه‌ی اصابت مرمی هاوان طالبان در ولسوالی بالامرغاب این ولایت زخمی شده بودند، تاکنون به مراکز درمانی منتقل نشده‌اند.

آقای اخیزی به روزنامه اطلاعات روز گفت که جگرن احمدجان کتوازی، فرمانده کندک سوم ارتش در بالامرغاب نیز که زخمی شده بود، دو شب پیش (دوشنبه، ۱۰ قوس) فوت کرده است. به گفته‌ی او، پیش از فوت این عضو ارتش، تلاشی برای انتقال او به شفاخانه صورت نگرفته است.

این عضو شورای ولایتی بادغیس گفت که وضعیت سه تن از زخمیان نیروهای ارتش وخیم است. منابع محلی و امنیتی در بادغیس تا کنون در مورد فوت فرمانده کندک سوم ارتش ابراز نظری نکرده‌اند.

روز یک‌شنبه هفته‌ی جاری، به اثر پرتاب هاوان طالبان در کندک ارتش در ولسوالی بالامرغاب بادغیس، عبدالبصیر نورستانی، رییس ارکان لوای سوم ارتش در بادغیس کشته شد. بالامرغاب یکی از ناامن‌ترین ولسوالی‌های بادغیس است. براساس معلومات منابع محلی در بادغیس، بخش‌های زیادی از این ولسوالی تحت کنترل گروه طالبان قرار دارد.

## دو کودک در یک حمله‌ی هوایی در غزنی کشته شدند

اطلاعات روز: یک منبع معتبر حکومتی در ولایت غزنی می‌گوید که در نتیجه‌ی یک حمله‌ی هوایی در ولسوالی خواجه‌عمری این ولایت، دو کودک کشته شده‌اند.

این منبع که نخواست نامش در خبر ذکر شود، دیروز (سه‌شنبه، ۱۱ قوس) به روزنامه اطلاعات روز گفت که این رویداد حوالی ساعت ۱:۰۰ بامداد در ساحه‌ی بازار روستای «ده‌حاجی» ولسوالی خواجه‌عمری رخ داده است.

به گفته‌ی او، دو کودک دیگر نیز در این حمله‌ی هوایی زخمی شده‌اند. این کودکان هم‌اکنون برای درمان به شفاخانه‌ی ولایتی در شهر غزنی منتقل شده‌اند.

این منبع افزود که هنوز مشخص نشده است که این حمله توسط چه کسی راه‌اندازی شده است. او اما تأکید کرد که حمله کار نیروهای افغان نبوده است.

منبع گفت: «ممکن این حمله از سوی نیروهای خارجی و یا گروه طالبان صورت گرفته باشد؛ چون طالبان نیز در این اواخر از پهپادها در ولسوالی خواجه‌عمری برای راه‌اندازی عملیات‌شان علیه نیروهای امنیتی استفاده کرده‌اند.»

در همین حال، واحدالله جمعه‌زاده، سخن‌گوی والی غزنی گفته که تحقیقات در این مورد آغاز شده است. او افزوده است در صورتی که عامل این رویداد نیروهای امنیتی شناخته شود، مجازات خواهند شد.

گروه طالبان و نیروهای خارجی مستقر در افغانستان تاکنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

ولایت غزنی در جنوب‌شرق کشور از ولایت‌های ناامن است که جنگ‌جویان گروه طالبان در بیشتر نقاط این ولایت حضور و فعالیت گسترده دارند.

# سینما، امکانی برای شادی

## نخستین جشنواره ملی فیلم لاجورد پایان یافت

عباس اسدیان
گزارشگر

«جشنواره ملی لاجورد» نخستین جشنواره ملی سینمای افغانستان پس از ده روز و نمایش فیلم در جاهای مختلف پایان یافت. در این جشنواره ۲۱۰ فیلم داخلی برای دریافت تندیس زرین این جشنواره در بخش‌های مختلف وارد رقابت شده که از این میان ۵۵ فیلم به بخش نهایی راه یافته بودند. فیلم‌هایی که در این جشنواره به نمایش گذاشته شدند در سه بخش داستانی، مستند و انیمیشن تهیه شده بود.

این جشنواره با شعار «لاجورد، تولد دوباره سینمای افغانستان» فعالیت خود را آغاز کرده است. تمام دست‌اندکاران این جشنواره افراد داخلی‌اند و هیأت داوران آن نیز اکثرا استادان دانشگاه هستند. به گفته مسئولان برگزارکننده به‌رغم بعضی کاستی‌هایی که این جشنواره داشت، اما به‌صورت کلی هنرمندان و صاحب‌نظران حوزه سینما و فرهنگ برگزاری این جشنواره را نشانه‌ای «پیشرفت» و «تعالی» در سینمای افغانستان می‌داند. فقیراحمد میوند، مشاور ارشد وزارت اطلاعات و فرهنگ می‌گوید «سینمای افغانستان در حال اوج گرفتن است. دایر کردن چنین جشنواره کار نهایت مشکل است. ما باید کسانی را که این برنامه‌ها را به راه می‌اندازند، حمایت کنیم».

### چراغ راه سینما

هارون صدیقی، یکی از بازیگران شناخته‌شده افغانستان می‌گوید امیدوار است این جشنواره ادامه یابد: «اگر داوری‌ها در جشنواره صادقانه باشد، واگر حق به حق‌دار داده شود، جشنواره به پیشرفت‌هایی دست خواهد یافت. اما اگر قوم‌پرستی و تبعیض وجود داشته باشد این جشنواره راه به جایی نخواهد برد و ما نیز قطعا از آن حمایت نخواهیم کرد».

همایون پاییز، چهره دیگر سینمای افغانستان که بیشتر فیلم‌های معناگرا می‌سازد، باور دارد که دلیل عقب‌گردی سینمای افغانستان، در کنار این‌که عوامل سیاسی و فرهنگی دارد، به خود سینماگران هم برمی‌گردد. به باور او، سینماگران افغانستان در ۲۰ سال اخیر به اندازه کافی تلاش نکرده‌اند: «برگزاری جشنواره در چنین شرایط ناگوار نشان می‌دهد آدم‌ها در هر شرایط می‌توانند در راستای کارهایی که مسئولیت دارند، کار کنند و به موفقیت دست یابند. حتا در بیست سال گذشته هم می‌شد چنین کارهایی را انجام داد، اما متأسفانه کسی به این نکته توجه نکرد. جشنواره لاجورد تا حالا موفقانه پیش رفته است. با امکانات محدود، این تیم کوچک با انگیزه کار کردند و تلاش‌های‌شان ستودنی است».

### سینما، امکانی برای شادی

اولین جشنواره ملی فیلم لاجورد در شرایطی برگزار می‌شود که افغانستان با بحران‌های جدی دست‌وپنجه نرم می‌کند. گفت‌وگوهایی صلح با طالبان، بعد از دو سال، هنوز به نتیجه نرسیده، جنگ و ناامنی در اکثر مناطق کشور به‌شمول پایتخت جریان دارد، و موج دوم ویروس کرونا نیز یکی از تهدیدهای جدی محسوب می‌شود. از طرف دیگر، الودگی وحشت‌ناک و کشنده‌ی هوا صحت و سلامت پایتخت‌نشینان را با خطر جدی مواجه کرده است. نتیجه‌ی این همه بحران چیزی جز فقر، اعتیاد، روان‌پریشی و مصیبت نیست. براساس بررسی‌هایی که همه‌ساله شبکه «راه‌حل‌های توسعه پایدار سازمان ملل» انجام می‌دهد اخیرا افغانستان در صدر لیست غمگین‌ترین کشورهای جهان قرار گرفت. طاهر زهیر، سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ، با توجه به این واقعیت، در جریان اختتامیه این جشنواره گفت «سینما وسیله‌ای در خدمت شادی و خوشحالی مردم است. دلیل این‌که چرا مردم افغانستان از جمع غمگین‌ترین مردمان روی زمین‌اند این است که به هنر و سینما در کشورشان توجه نشده است. وسیله و امکان‌های شادی از ما گرفته شده است. ما باید برای بازگشت به فرهنگ، هنر و شادزیستن کار و تلاش کنیم.»

برای همین سینماگران افغانستان تلاش دارند سینما را تبدیل به امر مردمی کنند و وضعیت را بهبود بخشند. فرزانه نوابی می‌گوید «هنرمندان باید این هنر را مردمی بسازند. زیرا هنر سینما و مردم مثل حلقه‌های زنجیر به همدیگر وابسته‌اند». ایشان در ادامه می‌گوید «برای موفق‌شدن به این کار نیاز است دولت از سینماگران حمایت کند. یکی از راه‌های تشویق هنرمندان همین برگزاری جشنواره‌ها است.»

### سینما نوعی روایت است

استقبال از «جشنواره ملی فیلم لاجورد» برای دست‌اندرکاران این جشنواره امیدوارکننده است. در طول این ده روز که جشنواره جریان داشت، بیش از چهارهزار نفر به سینماها و محل نمایش فیلم‌های این جشنواره رفتند. صحرا کریمی، رییس افغان فیلم برگزاری موفقانه این جشنواره را موفقیت چشم‌گیر برای سینمای افغانستان می‌داند و امیدوار است این جشنواره در سال‌های بعدی بهتر از این‌ها برگزار شود.

شیوای شرق، معین نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ درباره اهمیت برگزاری جشنواره‌ها می‌گوید «برگزاری جشنواره‌ها به معنای دورکردن خاکستر از روی روایت اصلی گنجینه‌های فراموش‌شده افغانستان و بازگشت به فرهنگ و داشته‌های هنری است. هنر و سینما چیزی است که در دوره پساطالبان در پیرامون قرار داشت و ما تلاش داریم این هنر را دوباره به متن برگردانیم.»

علی امیری استاد دانشگاه درباره این جشنواره و سینما می‌گوید سینما راهی برای تغییر است: «نفس برگزارشدن جشنواره مهم است. سینما یک نوع روایت است. با سینما می‌شود نقد کرد، تصویر کرد، روایت کرد. پس سینما می‌تواند نگاه ما را تغییر بدهد و وضعیت را بهبود ببخشد.»

رویا سادات، یکی از چهره‌های شناخته‌شده‌ی سینمای افغانستان با وجودی که به جنبه‌های مثبت این جشنواره اشاره می‌کند، اما می‌گوید «من در اختتامیه متوجه شدم که اصلا فیلم‌های مسابقه برحسب تاریخ تولید نبود. فیلم یک سال قبل با فیلم بیست سال قبل به مسابقه مانده شده بود که این برخلاف معیارهای جشنواره‌های رقابتی است. در جشنواره باید سال تولید فیلم‌ها در نظر باشد... جشنواره از بعد تخنیکی و ساختاری نیز مشکلات فراوان داشت.»

### برندگان اولین دور جشنواره ملی فیلم لاجورد

تندیس زرین این جشنواره با آب طلا و از سنگ لاجورد در خود افغانستان ساخته شده است. اکثریت سینماگران، موفقیت و عدم موفقیت‌شان را در قالب تندیس جشنواره‌ها متصور می‌شوند.

در بخش «فیلم‌های داستانی بلند» جایزه بهترین فیلم داستانی، بهترین کارگردانی، بهترین طراحی لباس، بهترین موسیقی و بهترین تدوین به فیلم «سیبی از بهشت» به ترتیب به داوود وهاب، همایون مروت، ایوب عمر، قاسم رامشگر و سید واقف حسینی؛ جایزه بهترین فیلم‌نامه و طراحی صحنه به فیلم «همسایه» به ترتیب به زبیر فرغند و جواد الفتی؛ جایزه بهترین چهره‌پردازی و بهترین بازیگر نقش اول مرد به فیلم «رسوای قرن ۲۱» به ترتیب به نصیر پژواک و محمدتوفیق لایق؛ جایزه بهترین صداگذاری و بهترین بازیگر نقش کودک به فیلم «پرنده پرنده نبود» به ترتیب به رشاد آرش و فرزانه نوابی و جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن به بازیگری در فیلم «حسن» به لینا علم تعلق گرفت.

در بخش «فلم‌های مستند بلند» جایزه بهترین فیلم مستند بلند به فیلم «مرغ طوفان» به تهیه‌کنندگی گرگ و میش پرودکشن؛ جایزه بهترین کارگردانی به فیلم «تارهای ممنوعه» به حسن نوری؛ جایزه بهترین صداگذاری به فیلم «زنگ تفریح ۳:۴۵ دقیقه» به علی‌حسین حسینی؛ جایزه بهترین تدوین به فیلم «قصه‌های شب افغانستان» به الکا سادات؛ جایزه بهترین موسیقی متن به فیلم «مرغ طوفان» به ظاهر هویدا و آرش هویدا؛ جایزه بهترین تصویربرداری به فیلم «من کار خودم را می‌کنم» به یوسف بره‌کی؛ جایزه بهترین تحقیق به فیلم «سربازان بی‌صدا می‌میرند» به رعنا صادقی؛ جایزه بهترین مستند تلویزیونی به فیلم «مستند قندهار» به تلویزیون تمدن تعلق گرفت.

در بخش «فیلم‌های کوتاه» جایزه بهترین مستند کوتاه به فیلم «شیخک» به نسیم سیامک و جایزه بهترین فیلم داستانی کوتاه به فیلم «حبیبه» به معصومه رضایی تعلق گرفت.

در بخش فیلم‌های انیمیشن جایزه بهترین انیمیشن به انیمیشن «توارها» به لاجورد حقیقی تعلق گرفت.

در بخش «رقابتی جانبی» جایزه بهترین پوستر به فیلم «کابل شهری در باد» به ابوذر امینی؛ جایزه بهترین فیلم در نگاه نو به فیلم «سفر در مکان صفر» به کارگردانی داوود هلمندی؛ جایزه بهترین صحنه به فیلم «خانم دریایی» به مرسل عزیزی؛ جایزه بهترین فیلم منتخب مردم به فیلم «سکوت» به تهیه‌کنندگی فریدالله محبی؛ جایزه بهترین فیلم سینمایی عامه‌پسند به فیلم «نقاب پوش» به همایون شمس خان تعلق گرفت.

در بخش «منتخب هیأت داوران» فیلم «پرنده پرنده نبود» جایزه منتخب هیأت داوران در بخش فیلم داستانی بلند به فیصل جمالیار؛ جایزه منتخب هیأت داوران در بخش مستند به فیلم «۲۸ اسد گرافیکی» به عبدالصبور خنجی تعلق گرفت.

> علی امیری استاد دانشگاه درباره این جشنواره و سینما می‌گوید سینما راهی برای تغییراست: «نفس برگزارشدن جشنواره مهم است. سینما یک نوع روایت است. با سینما می‌شود نقد کرد، تصویرکرد، روایت کرد. پس سینما می‌تواند نگاه ما را تغییربدهد و وضعیت را بهبود ببخشد.»

کابل‌نان
این‌جا کابل جان است

## صدایی از درون دکان سرد قصابی

سهراب سروش

افغانستان افزون بر این‌که فاسدترین و غمگین‌ترین کشور روی زمین است، برای دومین سال پیاپی مرگ‌بارترین و خون‌بارترین کشور جهان برای غیرنظامیان نیز شناخته شد. کی خبر دارد؟ شاید از نظر تلفات نظامیان نیز در صدر باشیم؛ سربازان کدام کشور دنیا مثل سربازان اردو و پولیس افغانستان، چنین یکی‌یکی و گروهی‌گروهی از بین می‌روند؟ نمی‌دانم. خلاصه این‌که در کشوری زندگی می‌کنیم که به مرگ عادت کرده‌ایم. آن‌قدر که حتا در مراسم تشییع و تدفین دچار روزمرگی‌ایم، چرا؟ چون مرگ ابهت خود را انگار از دست داده است.

در گذشته‌ها مرگ معمای سردرگمی بود. مهم‌تر از همه علت داشت. یکی را دل‌درد می‌گرفت. دیگری از پی سرفه‌های ممتد و خونین نفسش بند می‌آمد. کسی از شاخ کوه می‌غلتید و کسی هم دم تیر یا زیر موتر می‌رفت. در دره‌ها بسیاری‌ها از مفاجات می‌مردند. هر مرگ علتی داشت، آشنا یا غریب. هر قتل قاتلی داشت، فراری یا دربند. در سال‌های اخیر، مرگ در افغانستان گونه‌های مدرن‌تری به خود گرفته است. کسی به ناگهان در انتحاری نابدید می‌شود و جز عددی در روزنامه‌ها اثری از آن به‌جا نمی‌ماند. خلص کلام این‌که در کشور ما ارزش جان انسان بسیار ناچیز و گرفتن جان انسان به آسانی کشتن حیوانات و پرندگان است. آن وقت جان حیوانات چقدر ارزش دارد؟ آن‌قدر ناچیز که حتا حرف زدن درباره‌ی حقوق آنان خنده‌دار به‌نظر می‌رسد. با این وصف حیوانات زبان‌بسته در این آب و خاک واقعا روزگاری ناگواری را از سر می‌گذرانند.

از این‌که دیگر از روی شاخه‌های درختان کابل صدای بلبل نمی‌شنویم، می‌گذریم. از این‌که هزاران پرنده‌ی خوش‌رنگ در قفس‌های تنگ بوالهوسی آدم‌ها آواز دلتنگی می‌خوانند و سرانجام کباب می‌شوند، نیز عبور می‌کنیم. از این‌که روزانه گونه‌های جانوری و در برخی موارد گونه‌های نادر آن در کوه‌ها و دره‌ها از روی تفریح یا برای ارتزاق شکار می‌شوند، نیز رد می‌شویم. از این‌که جمعیت پرتعداد سگ‌ها در خیابان‌های کابل چگونه به دست کودکان زخمی و معیوب می‌شوند و رنج بیماری، لاغری و گرسنگی را تاب می‌آورند، نیز تیر می‌شویم و می‌رسیم به گاوها و بزها و گوسفندها و مرغ‌ها که شبانه‌روزی روی بشقاب‌های غذاهای‌مان کنار بادمجان رومی و پیاز نیش و لیموی ترش لقمه‌لقمه جویده می‌شوند.

سر کوچه‌ی ما یک دکان قصابی است که به اندازه‌ی عرض یک دروازه‌ی شیشه‌ای دوپله‌ای فضا دارد. رنگ سرخ خون هیچ وقت در پیش آن مغازه خشک و از پیش آن پاک نمی‌شود. از آن‌جایی که در سمت سایه‌رخ کوچه موقعیت دارد، با از راه رسیدن فصل‌های سرد سال خون‌ها روی هم یخ می‌بندد و تا فرا رسیدن بهار و باران همچنان جامد باقی می‌ماند. این همه از اثر شغل آقای قصاب است. او باید کارش را انجام بدهد تا برای خانواده‌اش نان پیدا کند. به همین دلیل دستش همیشه به خون آلوده است.

هر روز سر چند بز و گوسفند را وسط کوچه، میان دست و پای عابران و جلو چشم زنان، مردان و کودکان از تن‌شان جدا کرده، بعد پوست از تن‌شان می‌کند و سپس از سقف دکان تنگش می‌آویزد. لاشه‌ها از پشت شیشه‌ها همیشه تاب می‌خورند.

دیدن این صحنه برای مردم گوشت‌خوار افغانستان شاید چندان مسأله نباشد، ولی برای کودکان که در شهر به‌دنیا آمده‌اند، واقعا مایه‌ای حیرت است. خواهرزاده‌ی من یک روز روی کتاب مکتبش نقاشی گوسفندی را نشانم داد که در حال چریدن سبزه‌ها بود. بعد قصه کرد که چند روز پیش در راه مکتب دیدم که دو نفر یک گوسفند را گرفته بودند، گوسفند بع‌بع می‌کرد و آن دو نفر با یک چاقوی کلان گردنش را پاره کردند. خون گوسفند روی سرک را سرخ کرده بود. تا آن زمان او خیال می‌کرد، گوشت مثل بسکویت و آب‌میوه از دکان‌ها خریده می‌شود، بس. خلاص.

دیشب وقتی به اتاق برمی‌گشتم، ناوقت شب شده بود. همین که داخل کوچه شدم، صدای ناشناخته‌ای از متن کوچه بالا می‌رفت و پایین می‌آمد، ولی در میان دود بوی‌ناک زغال سنگ چیزی دیده نمی‌شد. درحالی‌که چشمانم بر اثر دود تلخ و غلیظی که بر شهر خیمه زده بود، می‌سوخت، گوش‌هایم بع‌بع گوسفند را در تاریکی تشخیص داد. آن لحظه من درست روی خون‌های یخ‌زده‌ی جلو قصابی رسیده بودم. به گمانم روز گوشت‌های قصاب به فروش نرفته بود و او این گوسفند را برای فردا نگهداشته بود، اما چگونه؟ درون دکان سردی که تمام تری‌هایش یخ زده بود. هیچ آب‌وعلفی هم در پرتو نور چراغ موبایلم در گوشه و کنار دکان دیده نشد. همین‌طور که از آنجا دور می‌شدم، صدای ناقرار گوسفند از درون سرما و تاریکی ادامه داشت. رفته‌رفته خیره شد، ولی قطع نگردید. گویی از درون اتاق هم صدایش شنیده می‌شد. اگر بگویم به حیوانات رحم کنیم و یا بگوییم جاهای مخصوصی در سطح شهر برای کشتن حیوانات در نظر گرفته شود، حرف بدی است؟ البته که بد نیست، ولی در جای مثل این شهر حتما گزاف است.

این جا کابل جان است.

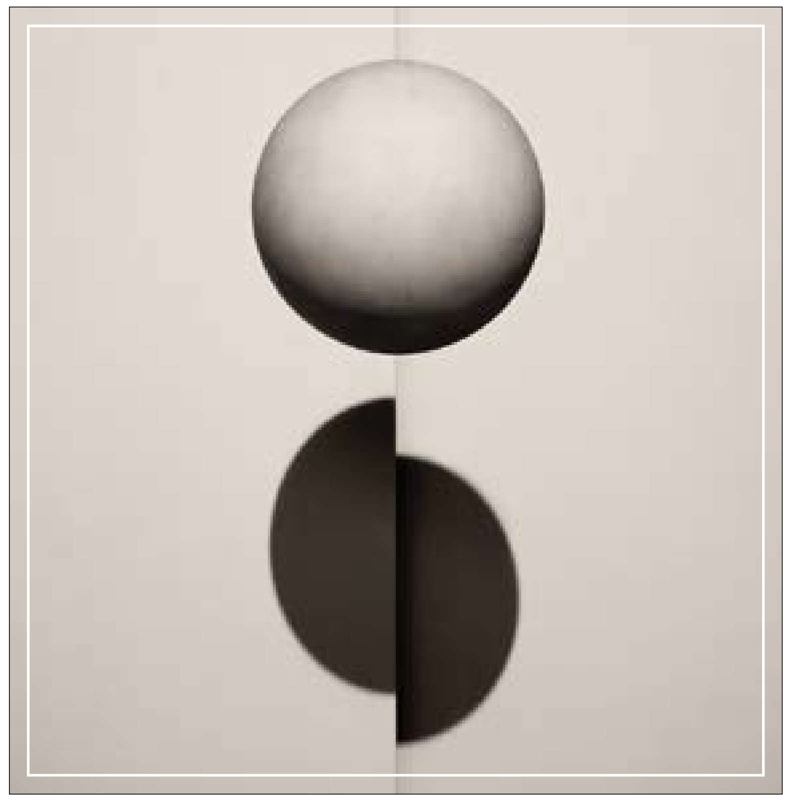

# چگونه بفهمیم که جامعه در آستانه‌ی فروپاشی است؟ (۲)

بن ارنریک، مجله نیویورک تایمز
مترجم: جلیل پژواک

مک‌انانی به تفاوت بین جوامع در مناطق پست شمالی و جنوبی مایا طی هزاره اول میلادی اشاره می‌کند. مناطق جنوبی –آنچه که اکنون گواتمالا، بلیز و مناطقی از جنوب مکزیک شناخته می‌شود–سلسله مراتب سفت‌وسخت‌تری داشت، «نابرابری در آن آشکار بود» و دارای یک سیستم سلطنت ارثی بود که در شبه‌جزیره یوکاتان در مناطق شمالی مشهود نبود. وقتی خشک‌سالی ویران‌گر در قرن نهم آغاز شد، شهرهای جنوبی رها شدند. جوامع در مناطق شمالی اما ماندند.

مک‌انانی می‌گوید که فروپاشی منطقه جنوبی مایا، به‌عنوان یک پراکندگی بهتر درک می‌شود. برای طبقات بالاتر این جوامع –که به‌نظر می‌رسد اولین کسانی هستند که از شهرهای جنوبی فرار کرده‌اند–این فروپاشی به‌عنوان پایان جهان تجربه شده است، اما اکثر مردم «با پای خود رأی دادند» و به مکان‌های مناسب‌تر در شمال و امتداد ساحل مهاجرت کردند. اما این کار به گفته مک‌انانی دیگر آسان نیست. «ما بیش از حد به مکان‌هایی که هستیم جلب و گره خورده‌ایم.» بدون امکان پراکندگی یا تغییر ساختاری واقعی برای توزیع عادلانه منابع، «یک روز همه‌چیز می‌ترکد. مجبور است بترکد.»

پیتر تورچین که در دانشگاه کانکتیکوت تدریس می‌کند، از پینتر در این فرض که یک سازوکار منفرد و فراتاریخی منجر به فروپاشی می‌شود، پیروی می‌کند. او به مراتب بیشتر از تینتر مایل است که پیش‌بینی‌های مشخص داشته باشد. از نظر تورچین کلید فروپاشی از دست‌رفتن «مقاومت اجتماعی» است؛ توانایی جامعه برای همکاری و اقدام جمعی برای اهداف مشترک. از این منظر تورچین معتقد است که ایالات متحده پیش از شیوع کووید۱۹ درحال فروپاشی بود. او استدلال می‌کند که در ۴۰ سال گذشته، نفوس ایالات متحده فقیرتر و بیمارتر شده‌اند درحالی‌که نخبگان امریکا بیشتر از پیش ثروت می‌اندوزند و مشروعیت نهادی تضعیف می‌شود. او می‌گوید: «ایالات متحده دارد خودش را از درون می‌خورد.»

نابرابری و «بیچارگی مردمی» کشور را در برابر شوک‌های بیرونی همچون یک همه‌گیری، و نیز محرک‌های داخلی مانند قتل جورج فلوید و برونا تیلور، به‌شدت آسیب‌پذیر می‌کند. تورچین در این پیش‌بینی که ما باید انتظار ناآرامی‌های بیشتر از نوع ناآرامی‌های تابستان امسال را «نه فقط در سال جاری بلکه در سال‌های پیش‌رو» داشته باشیم، لحظه‌ای درنگ نمی‌کند زیرا به باور او «شرایطی که این ناآرامی‌ها را ایجاد می‌کند فقط درحال بدترشدن است.»

آخرین‌باری که تابستان امسال از احوال تورچین مطلع شدم، او ـ و بیش از دو میلیون نفر دیگر ـ در پی توفان گرم‌سیری ایسایاس برق نداشتند. او می‌گوید این‌که بنشینی و در مورد بحران‌های تاریخی مطالعه کنی درحالی‌که بحران‌های تازه‌تر اطرافت موج می‌زنند، «زوایای خنده‌دار بسیاری دارد.» تورچین که در اتحاد جماهیر شوروی متولد شده و پیش از روآوردن به تاریخِ انسان اکولوژیِ حیوانات خوانده، از ناپایداری بنیادی ظاهرا مقاوم‌ترین نظام‌ها به خوبی آگاه است. او می‌گوید: «رویدادهای به‌شدت به‌هم‌زننده، درحالی‌که نامحتمل، کاملا ممکن‌اند.» او می‌گوید که وقتی در سال ۱۹۷۷ از اتحاد جماهیر شوروی مهاجرت کرد، هیچ‌کس تصور نمی‌کرد این کشور به اجزای تشکیل‌دهنده‌ی خود تجزیه شود. «اما شد.»

تورچین تنها کسی نیست که نگران است. اریک کلین، که در دانشگا جورج واشنگتن تدریس می‌کند، در کتاب خود «۱۱۷۷ قبل از میلاد: سالی که تمدن فروپاشید» استدلال می‌کند که جوامع عصر برنز متأخر در سراسر اروپا و غرب آسیا در اثر برخی فشارها از جمله بلایای طبیعی مانند زمین‌لرزه و خشک‌سالی، قطحی، درگیری‌های سیاسی، مهاجرت‌های جمعی و بسته‌شدن مسیرهای تجاری فرو پاشیدند. هیچ‌یک از این عوامل به خودی خود قادر به ایجاد چنین فروپاشی گسترده‌ای نبودند، اما با هم، یک «توفان کامل» را تشکیل دادند که قادر شد چندین جوامع را یک‌باره از بین ببرد. کلین می‌گوید که امروز نیز «ما تقریبا تمام همان علائم را که در عصر برونز بودند، داریم اما یک چیز از آن بیشتر داریم.» آن چیز همه‌گیری کووید۱۹ است. او گفت که فروپاشی «واقعا مسأله زمانی است» و «من نگرانم که اکنون ممکن است زمانش باشد.»

تینتر در «فروپاشی جوامع پیچیده» مسأله‌ای را مطرح می‌کند که نگرانی پاتریشیا مک‌انانی را در بر می‌گیرد. تینتر می‌نویسد: «جهان امروز پر شده است.» جوامع پیچیده هر منطقه قابل‌سکونت کره‌ی زمین را اشغال کرده‌اند. راه فراری نیست. این یعنی «اگر و زمانی که فروپاشی از راه برسد، در سطح جهانی خواهد بود.» سرنوشت ما به هم گره خورده است. «دیگر یک ملت منفرد فرو نمی‌پاشد. تمدن جهان به‌صورت کل از هم می‌پاشد.»

وقتی درباره این مسأله از کتابش، از تینتر می‌پرسم، او محتاط‌تر از همیشه است. او می‌گوید که گر این اتفاق بیافتد، «بدترین فاجعه در تاریخ خواهد بود.» او اخیرا نوشته که جست‌وجوی بهره‌وری و بازده بیشتر، سطح بی‌پیشینه‌ای از پیچیدگی را در جوامع ایجاد کرده است. این پیچیدگی به باور تینتر «یک سیستم مغلق تولید، انتقال، انبار و فروش جهانی» است که در آن کالاها در یک گوشه از جهان برای برآورده‌کردن نیازهای گوشه‌ی دیگری از جهان تولید می‌شوند و فقط وقتی به آن نیاز باشد انتقال داده می‌شوند. سرعت این سیستم گیج‌کننده است، همان‌طور که آسیب‌پذیری‌های آن.

تینتر می‌گوید که همه‌گیری ویروس کرونا «هزینه‌ی کلی نوع جامعه‌ای که ما داریم را به وضوح بالا می‌برد.» وقتی کارخانه‌ها در چین بسته شدند، تحویل به موقع کالاها دچار سکتگی شد و در نتیجه به گفته تینتر محصولات «به موقع تولید نمی‌شد، به موقع منتقل نمی‌شد و موقعی که نیاز بود در دسترس نبود.» کشورها و حتا ایالت‌ها برای دسترسی به ماسک و تجهیزات پزشکی هم‌دیگر را شانه می‌زدند. تولید گوشت اکنون به حدی متمرکز و پیچیده است که بسته‌شدن چند مرکز آن در ایالت‌هایی همچون آیووا، پنسیلوانیا و داکوتای جنوبی، باعث شد قفسه‌های گوشت خوک، هزاران مایل دورتر در فروشگاه‌ها خالی شوند. خرابی گسترده‌تر در زنجیره‌های شکننده عرضه محصولات به این معناست که سوخت، غذا و سایر اقلام ضروری دیگر در شهرها در دسترس نخواهد بود. تینتر می‌گوید: «در عرض مدتی بسیار کوتاه شاهد میلیاردها مرگ خواهیم بود.»

تینتر می‌گوید که حتا یک نقص کوتاه‌مدت در نظام مالی برای متوقف‌کردن زنجیره عرضه محصولات در جهان کافی است. صندوق بین‌المللی پول در گزارش «چشم‌انداز اقتصادی جهان» از «شکاف‌های منفی وسیع در خروجی و افزایش نرخ بیکاری» در میان‌مدت هشدار می‌دهد. این سازمان می‌گوید که این شکاف‌ها در میان‌مدت به «خراش» و رفته‌رفته به «زخم‌های عمیق» و لایه‌ای از بی‌اطمینانی که «به طرزغیرمعمولی بزرگ و گسترده است» تبدیل خواهد شد. تینتر می‌گوید که اگر ما «گرفتار رکود یا افسردگی شدید شویم، آن‌وقت این مشکل خودش را تقویت خواهد کرد و سرانجام منفجر خواهد شد.»

تینتر به من گفت که در این اواخر شاهد «افزایش آشکار» تماس‌ها از روزنامه‌نگاران بوده است. این یعنی ناگهان مطالعه فروپاشی جامعه دیگر به‌عنوان یک رشته صرفا اکادمیک به‌نظر نمی‌رسد. اوایل سال جاری منطقه لوگان یوتا، جایی که تینتر زندگی میکند، برای مدت کوتاهی به کانون کووید۱۹ امریکا تبدیل شد. ویروس کرونا در ماه جون از یک کارخانه بسته‌بندی گوشت متعلق به غول چندملیتی گوشت، JBS USA Food، که حتا پس از مثبت‌شدن تست بیش از یک–چهارم کارمندانش به فعالیت خود ادامه داد، به سراسر یوتا پخش شده بود. در دو نیم هفته، موارد ابتلا به بیماری کووید۱۹ از ۷۲ مورد به بیش از ۷۰۰ مورد جهش کرد. موارد کووید۱۹ از آن‌زمان تاکنون چهار برابر شده است. در همان‌زمان اعتراضات به خاطر مرگ جورج فلوید در هزاران شهر و محله‌ی ایالات متحده، به شمول لوگان، آغاز شده بود. تنها موردی که در آن همه‌گیری با ناآرامی اجتماعی گسترده هم‌زمان شده است، مرگ سیاه قرن چهاردهم است. در آن‌زمان طاعون درکنار ناآرامی‌های گسترده نفوس اروپا را تا ۶۰ درصد کاهش داد.

احتیاط دانشمندانه ممکن است تینتر را از غیب‌گویی باز دارد، او به یاد می‌آورد که وقتی داشت «فروپاشی جوامع پیچیده» را می‌نوشت، «بسیار واضح بود که آنچه من دارم در مورد روندهای تاریخی در می‌یابم، فقط درباره گذشته نبود.» ریشه‌های عصر ریگان این کتاب بیشتر از یک معنی درونی هستند. او در آن درباره دیدگاه‌های «بروکراسی‌های بادکرده» می‌نویسد که به اساس کل «کارهای حرفه‌ای سیاسی» تبدیل می‌شوند. او می‌نویسد که مسابقات تسلیحات «نمونه کلاسیکی» از پیچیدگی مارپیچی است که «برای اکثر جمعیت یک جامعه مزیت ملموسی ندارد» و «معمولا عاری از نفع مقرون به صرفه است.» دشوار است که این کتاب را از لنز تاریخ چهل سال گذشته امریکا نخوانیم، به‌عنوان پیش‌بینی درباره این‌که چگونه این کشور اگر همچنان به کاهش منابع از تمام سکتورها به جز ارتش، زندان‌ها و پولیس ادامه دهد، ممکن است رو به فروپاشی رود.

تینتر هشدار می‌دهد که هرقدر جامعه در تنگنا و تحت فشار بیشتر قرار گیرد، سهم منابعی که «باید به مشروعیت سازی یا جبر» اختصاص داده شود افزایش می‌یابد. این را در عمل شاهد بوده‌ایم: با سر به فلک گذاشتن هزینه‌های نظامی ایالات متحده–که برپایه برخی برآوردها از ۱۳۸ میلیارد دالر در سال ۱۹۸۰ به بیش از یک تریلیون دالر درحال حاضر افزایش یافته است–حکومت تلاش می‌کند هردوتاکتیک را به کار بندد، یعنی رضایت و محبت ثروت‌مندان را با کاهش مالیات آن‌ها جلب کند و در همان زمان برنامه‌های کمکی عامه خود را متوقف کند و تعداد بیشتر فقرا را زندانی کند. آنچه در سطح ملی اتفاق افتاد در سطح محلی نیز اتفاق افتاد؛ شهر پشت شهر، بودجه نیروهای پولیس از بودجه خدمات اجتماعی کرده بزرگ‌تر شد. تینتر در سال ۱۹۸۸ نوشت «با کاهش منابع اختصاص‌داده شده برای مردم، منابع اختصاص‌داده شده برای کنترل مردم باید افزایش یابد.»

هنگامی که از او پرسیدم که آیا می‌توان از همان منظر به اعتراضات اخیر نگاه کرد یا خیر، تینتر دوباره از رومی‌ها مثال آورد که در دام اختصاص‌دادن سهم بیشتر و بیشتر منابع امپراتوری‌شان به دفاع از این امپراتوری که بی‌وقفه درحال گسترش بود، گرفتار شده بودند و لشکرکشی‌هاشان بزرگ و بزرگ‌تر و دشمنان‌شان دورتر و دورتر می‌شد، تا این‌که یک روز دشمنان‌شان از پشت دروازه‌های شهر قدعلم کردند.

تصویر کلی که آثار تینتر می‌کشد، تصویری غم‌انگیز است. همین خلاقیت، همین توانایی خارق‌العاده‌ی بشر برای سازمان‌دهی خودش به منظور حل جمعی مشکلاتش، همین است که ما را به تله‌ای می‌کشاند که از آن گریزی نیست. از نظر تینتر، پیچیدگی «موذیانه» است. پیچیدگی «با گام‌های کوچک، که در آن‌زمان معقول به‌نظر می‌رسند، رشد می‌کند و بزرگ می‌شود.» و سپس جهان شروع به از هم‌پاشیدن می‌کند، و شما حیرانید که چگونه به آن‌جا رسیده‌اید.

با این‌حال روش دیگری نیز برای بررسی این موضوع وجود دارد. شاید سقوط واقعا امر خاصی نباشد. شاید، سقوط به‌عنوان یک ایده، محصول زمان خودش باشد؛ خماری ناشی از جنگ سرد که از دوره مفیدیت خود بیشتر عمر کرده است؛ یا یک پیامد گسترنده اضطراب آکادمیک ناشی از تغییرات اقلیمی، یا یک حلقه بازخورد ناشی از ترکیب این دو عامل باشد. طی ۱۰ سال گذشته دانشمندان بیشتری مانند مک‌انانی، کل مفهوم فروپاشی را زیرسوال برده‌اند. صداهای انتقاد بیشتر از جانب زنان و از جانب دانشمندان بومی و کسانی که به روایت‌های مردم بومی درباره جوامع‌شان توجه می‌کنند، برخاسته است. سارا پارکاک، که در دانشگاه آلاباما تدریس می‌کند، می‌گوید که وقتی این صداها کنار گذاشته شوند، فروپاشی به راحتی می‌تواند به معنای پاک‌کردن باشد، یک روش راحت برای پنهان‌کردن خشونت فتح. این بدان معنا نیست که شهرهایی که زمانی پرجمعیت بودند، هرگز خالی نشده‌اند یا نوع ساده‌سازی اجتماعی سریع که تینتر تشخیص داده است در آن شهرها اتفاق نیافتاده است. شما اگر به تجربه زیسته مردم توجه کنید و صرفا به انتزاعاتی که توسط یک تاریخچه پراکنده باستان‌شناسی تحمیل شده است بسنده نکنید، تصویر متفاوتی پدیدار می‌شود.

بخشی از مسأله ممکن است این باشد که درک تینتر از جوامع به‌عنوان نهادهای حل‌کننده مشکل امکان دارد به همان‌اندازه که نشان می‌دهد، به همان‌اندازه پنهان کند. بردگی در مزارع برای حل مشکلی که طبقه سفیدپوست زمین‌دار با آن مواجه شده بود، به‌وجود آمد؛ تولید محصولات کشاورزی مانند شکر و پنبه به کار شاق و طاقت‌فرسا نیاز دارد. این مشکل اما هیچ ربطی به مشکلات مردمی که این طبقه آن‌ها را به بردگی کشیدند، نداشت. پس کدام یک «جامعه» محسوب می‌شود؟ طبقه سفیدپوست زمین‌دار، یا برده‌های مزارع پنبه؟

از زمان شروع همه‌گیری کووید۱۹، ارزش خالص ثروت میلیاردرهای امریکایی که ۶۸۶ نفرند، نزدیک به یک تریلیون دالر جهش کرده است. براساس گزارش مرکز بودجه و اولویت‌های سیاست‌گذاری، در ماه سپتامبر نزدیک به ۲۳ میلیون امریکایی گزارش کرده‌اند که غذای کافی ندارند. آن ۶۸۶ نفر میلیاردر هر مشکلی داشته باشند، با مشکل ۲۳ میلیون گرسنه یکی نیست. اصرار بر این‌که مشکلات این دو قشر نباید کنارهم یکی دانسته شوند، نه‌تنها «جامعه» بلکه فروپاشی را نیز در کانون نوع دیگری از توجه قرار می‌دهد. اگر جوامع در حقیقت واحدهای موحد حل‌کننده مشکل نیستند، بلکه دارای تناقضات و درگیر مشکلات مداوم هستند، آن‌وقت وجود آن‌ها یک بازی همه یا هیچ‌چیز نیست. فروپاشی نه بعنوان یک پایان بلکه واقعیتی است که برخی از آن هم‌اکنون رنج برده‌اند ـ یکی در در بند کشتی برده‌ها و دیگری در یک عزیمت اجباری و طولانی از سرزمین‌های اجدادی خود به مکان‌ها دور ـ و زنده مانده‌اند.

مایکل ویلکوکس، محقق امریکایی‌های بومی که در دانشگا استنفورد تدریس می‌کند، می‌پرسد: «اگر بعد از نوشته‌شدن داستان شکست، هنوز زنده باشید، چه می‌کنید؟»

خرابه‌های شهرهای پالنک و تیکال در جنگل باقی مانده و منبع ثابت درآمد توریستی است، اما جوامع مایا هنوز در منطقه زندگی می‌کنند و زبان‌های شان نه تنها نمرده اند بلکه این‌روزها در محله‌های مهاجرنشین لس‌آنجلس و سایر شهرهای امریکا شنیده می‌شوند. قبیله باستانی پاوبلو خانه‌های بزرگ چاکو را در حدود قرن دوازده ترک کردند، اما فرزندان آن‌ها توانستند در دهه ۱۶۰۰ اسپانیایی‌ها را برای کمی بیش از یک دهه از خود دور کنند. ناواهو، در همان نزدیکی از نسل‌کشی‌های قرن نوزدهم، از رونق اورانیوم در قرن بیستم و به دنبال آن از اپیدمی سرطان زنده ماند، و اکنون با همه‌گیری کووید۱۹ روبرو است که ملت ناواهو را سخت‌تر از مردم نیویورک ضربه زد.

همه‌گیری کنونی از هم‌اکنون بسیاری از ما را با طعم آنچه که پس از شکست جامعه در غلبه بر چالش‌های پیش‌رویش اتفاق می‌افتد آشنا کرده است. در چنین وضعیتی جناح حاکم بر جامعه تمایل دارد صرفا به مشکلات خودشان بپردازند. بحران اقلیمی که روز به روز درحال بزرگ‌ترشدن است، دلایل بیشتری برای وحشت و اندوه ما ایجاد خواهد کرد. ویلکاکس می‌گوید که برخی از نهادها هم‌اکنون درحال فروپاشی هستند، اما «فروپاشی‌ها همیشه اتفاق می‌افتد.» اما این بدان معنا نیست که درد و رنج ناشی از این فروپاشی‌ها را باید نادیده بگیریم، بلکه به این معناست که خطر واقعی ناشی از این تصور است که ما می‌توانیم به روشی که همیشه زندگی کرده‌ایم، به زندگی خود ادامه دهیم، و این تصور که گذشته همیشه با ثبات‌تر از حال است.

وقتی چشمان خود را ببندید و دوباره باز کنید، فروپاشی‌های دوره‌ای که در طول تاریخ ما مشاهده شده است، کم‌رنگ می‌شوند و چیز دیگری تمرکز ما را به خود جلب می‌کند: تدبیر، لجاجت و سازگاری، که شاید قوی‌ترین و اساسی‌ترین ویژگی انسانی باشد. شاید همین توانایی ما در کنارهم قرارگرفتن برای پاسخ خلاقانه به شرایط جدید و دشوار دادن، آن‌طور که تینتر می‌گوید یک دام مخفی غم‌انگیز و داستانی که همیشه به پیچیدگی و فروپاشی ختم می‌شود نیست. شاید این همان چیزی است که ما به بهترین وجه انجام می‌دهیم. وقتی یک روش کار نمی‌دهد، راه دیگری را امتحان می‌کنیم. وقتی یک سیستم از کار می‌افتد، ما سیستم دیگری را می‌سازیم. ما برای انجام کارها به روش متفاوت تلاش می‌کنیم، و دست از تلاش نمی‌کشیم. ما، مثل همیشه، چاره دیگری نداریم.

پایان.

---

گزارش

# «از زیر چکه به زیر ناودان»

## رانندگان پس از ممنوعیت دو نفر در چوکی پیش‌رو، اضافه‌ستانی می‌کنند

فریضه عالمی
گزارشگر

«راه‌بندی، بی‌نظمی رانندگان، افزایش کرایه موترهای لینی و یک مسیر را چندین بار کرایه‌دادن چندین سال است که مردم تحمل می‌کنند. مگر اضافه‌ستانی و پرداخت کرایه به‌جای دو نفر را نمی‌توانیم تحمل کنیم.» گفته‌های فاطمه که به باورش طرح ممنوعیت دو سرنشین در چوکی پیش‌روی موترها نه‌تنها مشکل را حل نکرده که مشکلی بزرگ‌تری را به بار آورده است. او به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید مسیر دانشگاه تا خانه‌اش بیشتر از نیم ساعت نیست، اما او منتظر می‌ماند تا جای مناسبی در چوکی پشت سر پیدا کند تا از شر نشستن دو نفر در یک چوکی یا پرداختن کرایه دو نفر خلاص شود.

امرالله صالح، معاون اول ریاست‌جمهوری در تصمیم پانزده‌همش برای تأمین امنیت و نظم شهر کابل طرح ممنوعیت جابه‌جایی دو سرنشین در چوکی پیش‌روی موترهای لینی را اعلام کرد.

### بیشتر از ۴۵۰ راننده در یک روز جریمه شدند

با توجه به این‌که ریاست ترافیک قانونی را در رابطه به چوکی پیش‌رو وضع کرده، اما هنوز شماری زیادی از شهروندان از عملی‌نشدن و اضافه‌ستانی رانندگان موترهای شهری شکایت دارند. شمار زیادی از شهروندان کابل مدعی‌اند که رانندگان موترهای شهری از مسافران چوکی پیش‌رو دو کرایه می‌گیرند یا دو نفر در چوکی پیش‌رو می‌نشانند.

به‌رغم مشکلات یادشده شماری از شهروندان نیز می‌گویند برخی راننده‌ها خودسرانه برای گرفتن کرایه یک مسیر را به چند مسیر و ایستگاه جداگانه تقسیم می‌کنند و چند بار از مسافران کرایه می‌گیرند.

در طرح ممنوعیت جابه‌جایی دو نفر در چوکی پیش‌رو، آقای صالح گفته است راننده‌هایی که از این طرح تخطی کنند، موترهای آن‌ها به‌عنوان گزمه‌های شهرداری و پولیس استفاده خواهد شد. شهروندان می‌گویند پس از عملی‌شدن این تصمیم برخی از رانندگان موترهای لینی در شهر کابل از نشاندن دو نفر در چوکی پیش‌رو خودداری می‌کنند، اما راهی دیگری برای جبران پیدا کرده‌اند: اضافه‌ستانی.

خان‌محمد شینواری، مدیر ترافیک افغانستان نیز از عملی‌شدن کامل این طرح چندان راضی به‌نظر نمی‌رسد و اضافه‌ستانی رانندگان موترهای شهری را تأیید می‌کند. آقای شینواری به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید پولیس ترافیک در تمام نقاط شهر حضور دارد و از این موضوع نظارت و ارزیابی می‌کند. به گفته‌ی مدیر ترافیک کابل، این اداره در طول یک روز بیش از ۴۵۰ راننده‌ای که دو نفر را در چوکی پیش‌رو جابه‌جا کرده‌اند و از مسافران اضافه‌ستانی کرده‌اند شامل جریمه شده‌اند.

### «شهر بی‌صاحب که می‌گویند همین است»

مشکلات ترافیک کابل یکی-دو تا نیست. ترافیک سنگین که هزارها نفر گاه ساعت‌ها در ترافیک می‌مانند، اضافه‌ستانی، ساعت‌ها انتظار در ایستگاه و انتخاب بین این‌که دو کرایه حساب کنند یا در یک چوکی دو نفر بنشینند عمده‌ترین مشکلاتی است که مردم شکایت دارند.

حمید، باشنده دشت برچی کابل است. او که کارمند یک شرکت خصوصی است به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید به‌دلیل اضافه‌ستانی رانندگان موترهای شهری روزانه به‌جای ۶۰ افغانی ۱۸۰ تا ۲۰۰ افغانی کرایه موتر می‌دهد: «شهر بی‌صاحب که می‌گویند همین است. معاش‌ات ۱۵ هزار افغانی باشد و کرایه موتر یک‌روزه‌ات ۲۰۰ افغانی. چهار کودک دارم. آن‌ها خرچ دارند. نمی‌شود نصف پولی که کار می‌کنم به رفت‌وآمد مصرف شود. هیچ گونه نظارتی از طرف دولت نمی‌شود. رانندگان موترهای لینی کرایه به دل خود تعیین می‌کنند و همین‌گونه ایستگاه‌ها را نیز.»

حلیمه دانشجو است. او از این‌که کرایه‌های موترهای شهری بعد از ساعت سه عصر افزایش می‌یابد، شکایت دارد. به گفته حلیمه هر روز بعد از ساعت سه رانندگان موترهای شهری کرایه را دو و یا سه‌برابر افزایش می‌دهند. یا رانندگان راه‌بندی را بهانه کرده و فقط به‌صورت دربست مسافر سوار می‌کنند.

حلیمه می‌گوید افزایش خودسرانه‌ی کرایه‌ها گاهی کار را به جنجال و درگیری لفظی نیز می‌کشاند. او اغلب روزها پس از ساعت پنج عصر که هوا رو به تاریکی می‌گذارد ناچار می‌شود کرایه بیشتر از نرخ‌نامه پرداخت کند تا مانند صدها باشنده کابل چندین ساعت در ایستگاه‌ها منتظر موترهای شهری نماند: «هرروز راه نیم ساعتی را یک یا دو ساعت طی می‌کنم. چون پول اضافه به رانندگان موترهای شهری نمی‌دهم باید انتظار بکشم تا موتری پیدا شود که مجبور نشوم پول اضافه پرداخت کنم.»

### همکاری شهروندان با قانون‌شکنان

خان‌محمد شینواری، مدیر ترافیک افغانستان همکاری و همراهی مردم با پولیس ترافیک در تطبیق قانون موثر می‌داند. او می‌گوید در بیشتر اوقات مردم با رانندگان متخلف که اضافه‌ستانی می‌کنند یا دو نفر را در چوکی پیش‌رو می‌نشانند، همکارند. او می‌افزاید برای عملی‌شدن قوانین ترافیکی مردم باید با دولت همکاری کنند. «آن‌ها نباید پول بیشتر از نرخ‌نامه برای رانندگان موترهای شهری پرداخت کنند. وقتی مردم با دولت همکار باشند، هیچ راننده‌ای نمی‌تواند دو نفر در چوکی پیش‌رو سوار کند یا کرایه‌ی بیشتری از آن‌ها بگیرد.»

### «ما رانندگان بیچاره هم چندان حال‌وروز نداریم»

در همین حال رانندگاه موترهای شهری نیز خود را حق به‌جانب می‌دانند. آن‌ها در گفت‌وگو با اطلاعات روز مدعی‌اند که جاده‌های کابل بعد از ساعت سه عصر شلوغ و راه‌بندی بیشتر می‌شود. به همین دلیل بعد از سه عصر آن‌ها کرایه‌ها را بیشتر می‌کنند.

جمشید، راننده، می‌گوید رانندگان بنابر مجبوریت کرایه‌ها را بیشتر می‌کنند: «مردم و دولت فقط یاد دارند ما را محکوم کنند. درحالی‌که ما رانندگان بیچاره هم چندان حال‌وروز نداریم. نفوس هر روز بیشتر می‌شود. سرک‌ها خُرد است. برای این همه موتر کافی نیست. راه‌بندی است. و موترها هر روز به‌دلیل سرک‌های خراب به مستری برده می‌شود. قیمت تیل هم که هر روز بیشتر می‌شود.» جمشید می‌گوید پس از ساعت سه عصر تعداد مردم و موترها در جاده‌ها بیشتر می‌شود و راه‌بندی سبب می‌شود تا آن‌ها میسر ۲۰ دقیقه‌ای را به یک و یا یک‌ونیم ساعت طی کنند که در نتیجه میزان مصرف تیل نیز افزایش می‌یابد. این گفته‌ها در حالی مطرح می‌شود که شهروندان کابل از نبود نظم در سیستم ترافیک و نبود ترانسپورت‌های شهری کافی شکایت دارند. یکی از وعده‌های کلان حکومت در مورد تنظیم سیستم شهری و ترانسپورت ایجاد متروبس در کابل بود؛ وعده‌ای که پس از گذشت سال‌ها هنوز عملی نشده است.

---



گزارش

# سیاست طالبان: کشتار و انکار؟

عباس عارفی
گزارشگر

> عتیق‌الله امرخیل، آگاه امور امنیتی و نظامی در گفت‌وگو با اطلاعات روز، معتقد است که در رأس همه‌ی این سیاست‌های کشتار و انکار، پاکستان است و طالبان با مشوره پاکستانی‌ها به این سیاست جدید انفجار و حملات انتحاری و پس از آن انکارکردن روی آورده است.

ریاست عمومی امنیت ملی افغانستان می‌گوید طالبان سیاست انکار در پیش گرفته است. این نهاد امنیتی گفته که «گروه تروریستی طالبان مبتنی بر هدایت شورای کویته، در صدد است تا در ساحاتی که تجمعات مردم زیاد باشد، حملات تروریستی انجام دهند. به این گروه وظیفه داده شده است تا بعد از انجام حملات تروریستی از گرفتن مسئولیت ابا ورزند.»

پس از امضای توافق‌نامه صلح دوحه میان ایالات متحده امریکا و گروه طالبان، حملات انتحاری و انفجاری طالبان علیه نیروهای خارجی به رهبری امریکا در افغانستان متوقف شد. در این مدت هیچ سرباز امریکایی در خاک افغانستان کشته یا زخمی نشد. اما در مورد مردم و نیروهای امنیتی افغانستان قضیه فرق کرد. پس از شروع مذاکرات صلح بین‌الافغانی، خشونت‌ها به‌طرز بی‌سابقه‌ای شدت گرفته و البته ماهیت این خشونت‌ورزی و جنگ جاری نیز فرق کرده است، طوری‌که حملات انفجاری و انتحاری خونین در بخش‌های مختلف افغانستان که همه‌روزه اتفاق می‌افتد، ولی برخلاف روال گذشته طالبان دست‌داشتن در آن‌را انکار می‌کنند.

### انگشت اتهام به طرف طالبان

از نظر حکومت افغانستان پشت تمام رخدادهای کوچک و بزرگ امنیتی دست طالبان است. چنان‌که صبح روز یک‌شنبه ۹ قوس، بر اثر انفجار یک موتربمب بر یکی از پایگاه‌های نیروهای ارتش در ولسوالی ده‌یک ولایت غزنی، ۲۸ تن کشته و بیشتر از ۱۷ تن دیگر زخمی شدند. یک منبع امنیتی از ولایت غزنی در گفت‌وگو با اطلاعات روز، طالبان را مسئول حمله انتحاری توسط موتر بمب دانست. منبع می‌گوید که تنها گروه طالبان دست به چنین حملاتی می‌زنند. این منبع امنیتی می‌گوید این حمله توسط «تانک هاموی صورت گرفته که قبلا در جنگ غزنی به دست جنگ‌جویان گروه طالبان افتاده بود.» به نقل از این منبع، «قومندان نیاز» یکی از فرماندهان طالبان در ولسوالی ده‌یک این حمله را راه‌اندازی کرده است. گروه طالبان تاکنون سکوت کرده و نه مسئولیت این حمله را بر دوش گرفته و نه آن را رد کرده است. اما در بیشتر حملات طالبان دست‌داشتن در آن را انکار می‌کنند. مثل حمله‌ی مرگبار هفته پیش در بامیان، حمله بر دانشگاه کابل، حمله بر مرکز آموزشی کوثر دانش، پرتاب همزمان چندین موشک در شهر کابل و حمله بر شفاخانه‌ی ۱۰۰ بستر داکتران بدون مرز. به‌رغم این‌که گاهی داعش مسئولیت شماری از حمله‌ها را بر دوش گرفته است، اما حکومت افغانستان پیش از هرکسی انگشت اتهام را به طرف طالبان دراز کرده است.

در کنار رخدادهای بزرگ امنیتی به‌کارگیری ماین‌های مقناطیسی همه‌روزه به‌ویژه در کابل قربانی می‌گیرد. طالبان از مجرای رسمی دست‌داشتن در این حملات را همواره رد می‌کنند. اما یک چهره فعال طالبان در تویتر به‌تازگی نوشته است: «بمب‌های مقناطیسی دشمن را وارخطا کرده است. درخواست ما بسیار ساده است؛ پایبندی به نظام اسلامی.»

لطیف آرش، نویسنده و استاد دانشگاه

حکومت افغانستان به‌کارگیری ماین‌های مقناطیسی را نیز کار طالبان می‌داند.

### طالبان در حملات دست ندارند یا انکار می‌کنند؟

عارف رحمانی، نماینده ولایت غزنی در مجلس نمایندگان و عضو کمیسیون امنیت داخلی مجلس در گفت‌وگو با اطلاعات روز بر این باور است که رخدادهای خونین گاه و بیگاه کار طالبان است: «تروریستان طالبانی هر روز خون مردمان ملکی و نظامی را می‌ریزند و به صلح و آشتی ملی تن نمی‌دهند.» آقای رحمانی می‌گوید، طالبان سیاست انکار و فریب را در پیش گرفته‌اند: «به باور من تمام حملات اخیر توسط گروه طالبان یا وابستگان آن‌ها انجام شده و این‌که برخی از حملات شان را انکار می‌کنند، به این دلیل است که جنبه غیرانسانی این جنایت‌های‌شان بسیار غلیظ و شرم‌آور است.» از نظر آقای رحمانی دلیل دیگری که طالبان مسئولیت برخی از حملات‌شان را بر عهده نمی‌گیرند این است که «می‌خواهند به امریکایی‌ها بگویند که ما در حالت تهاجم نیستیم.» از نظر آقای رحمانی طالبان با این سیاست کشتار و انکار بازی دوگانه‌ی را در پیش گرفته و می‌خواهند امریکایی‌ها را به‌نحوی فریب دهند.

لطیف آرش، نویسنده و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با اطلاعات روز از پنج تاکتیک جنگ طالبان پس از امضای توافق‌نامه دوحه یاد می‌کند که عبارت است از «جنگ جبهه‌ای» که طالبان خبرهای این نوع جنگ را به‌ندرت در وب‌سایت‌های‌شان نشر می‌کنند، ولی انکار هم نمی‌کنند؛ «حملات انتحاری انفرادی یا موتربمب» که در توافق‌نامه دوحه طالبان قبول کرده بود چنین حملات را در کابل و شهرهای بزرگ متوقف می‌کنند، اما به مرور زمان از این چنین حملات را نیز شدت بخشیده‌اند؛ «حملات انتحاری پیچیده و گروهی» که در ابتدای توافق چنین حملات کم شده بود، اما حالا زیاد شده و طالبان مسئولیت آن را به عهده می‌گیرند و انکار نمی‌کنند؛ «حملات هدف‌مندانه» که بیشتر مقام‌های حکومتی را ترور می‌کنند، چنین حملات را طالبان سال‌هاست که انجام می‌دهند و مسئولیت آن را برعهده می‌گرفتند، اما حالا انکار می‌کنند؛ و استفاده از «ماین‌های چسپکی و مقناطیسی» که قبل از این هرازگاهی مسئولیت‌اش را برعهده می‌گرفتند، اما حالا انکار می‌کنند.

از نظر آقای آرش، دلیلی که طالبان حملات‌شان را انکار می‌کنند، توافق‌نامه دوحه است، و این‌که چرا حملات را انجام می‌دهند، واردکردن فشار بیشتر بر حکومت و دیگر طرف‌های همسو با حکومت است.

عتیق‌الله امرخیل، آگاه امور امنیتی و نظامی در گفت‌وگو با اطلاعات روز، معتقد است که در رأس همه‌ی این سیاست‌های کشتار و انکار، پاکستان است و طالبان با مشوره پاکستانی‌ها به این سیاست جدید انفجار و حملات انتحاری و پس از آن انکارکردن روی آورده است: «طالبان باید انکار کنند، چرا که با امریکایی‌ها توافق‌نامه امضا کرده‌اند که خشونت‌ها کم شود و بر شهرها حمله نمی‌کنند. اگر طالبان، مسئولیت حملات را بر عهده بگیرند، احتمال این‌که امریکایی‌ها نیز مداخله کنند، زیاد است.»

از نظر آقای امرخیل سیاست کشتار و انکار طالبان به‌دلیل بی‌سرنوشتی روند صلح است: «این مذاکرات صلحی که جریان دارد، معلوم نیست که نتیجه‌اش به کجا می‌رسد. در این‌جا بازی دیگری در جریان است.»

سید اکبر آغا، از اعضای پیشین گروه طالبان در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید طالبان سیاست انکار را در پیش نگرفته است: «هرچه سخن‌گویان طالبان گفته، درست است. آن‌ها گفته‌اند که طالبان در این حملات دست نداشته، پس دست نداشته‌اند.»

# کاهش ۲۴ درصدی تولید گازهای گلخانه‌ای در اتحادیه اروپا از سال ۱۹۹۰

اطلاعات روز: گزارش سالانه اتحادیه اروپا در زمینه محیط زیست که روز دوشنبه ۱۰ قوس منتشر شد نشان می‌دهد میزان تولید گازهای گلخانه‌ای در کشورهای عضو این اتحادیه از سال ۱۹۹۰ تاکنون ۲۴ درصد کاهش یافته است.

با این همه اتحادیه اروپا تاکید کرده که اقدامات لازم برای به صفر رساندن میزان تولید آلاینده‌ها تا سال ۲۰۵۰ را افزایش خواهد داد.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، کمیسیون اروپا روز دوشنبه اعلام کرد که میزان تولید گازهای آلاینده در ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۹ به نسبت سال قبل ۳.۷ درصد کاهش یافته در حالی که تولید ناخالص در همین بازه زمانی ۱.۵ درصد افزایش پیدا کرده است.

به نقل از رادیو فردا، کمیسیون اروپا پیش‌بینی می‌کند که به دلیل قرنطینه و توقف بخشی از فعالیت‌های عادی تحت تاثیر شیوع ویروس کرونا، میزان کاهش گازهای آلاینده در سال ۲۰۲۰ به ۸ درصد برسد.

کمیسیون اروپا در بخش دیگری از این گزارش عنوان می‌کند: «همانطور که تجارب قبلی نشان داده احیا سریع فعالیت‌های اقتصادی ممکن است به افزایش چشمگیر تولید گازهای آلاینده منجر شود. از این رو تنها راه پیشگیری از وقوع این حالت سوق دادن مشوق‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در نحوه تولید و مصرف پاکیزه‌تر است.»

اورسولا فون در لاین، که از دسامبر سال گذشته ریاست کمیسیون اروپا را برعهده گرفته مقابله با گرمایش زمین را یکی از اولویت‌های اصلی کمیسیون تعیین کرده است.

کمیسیون اروپا در عین حال متعهد شده که در سیاست‌های مربوط به احیا اقتصاد اروپا پس از بحران کرونا در عرصه سوخت‌های فسیلی سرمایه‌گذاری نخواهد کرد.

فرانس تیمرمنس، معاون کمیسیون اروپا و مسئول طرح‌های زیست محیطی موسوم به «توافق سبز» روز دوشنبه گفت: «اتحادیه اروپا ثابت کرده که رشد اقتصادی همزمان با کاهش گازهای آلاینده امکان‌پذیر است. گزارشی که امروز منتشر شد نشان می‌دهد که برای تحقق هدف تعیین شده برای سال ۲۰۵۰ و رساندن میزان تولید گازهای آلاینده به حد صفر در تمامی عرصه‌های اقتصادی و تولیدی باید اقدامات بیشتری انجام شود.»

اتحادیه اروپا برای تسریع این روند از کشورهای عضو خواسته است که هدف تعیین شده برای کاهش میزان تولید گازهای آلاینده تا سال ۲۰۳۰ را از ۴۰ به ۵۵ درصد در مقایسه با میزان ثبت شده در سال ۱۹۹۰ افزایش دهند.

رهبران کشورهای عضو در جلسه ماه گذشته خود در مورد این موضوع مذاکره کردند ولی با توجه به چالش‌های اجرای این طرح برای بسیاری از کشورهای اروپایی هنوز در مورد آن به توافق نرسیده اند. انتظار می‌رود که کشورهای عضو در جلسه ماه دسامبر و قبل از تصویب قانون جدید زیست محیطی اتحادیه اروپا به نوعی توافق برسند.

طبق معاهده زیست محیطی پاریس که در سال ۲۰۱۵ تصویب شد همه کشورهای امضاکننده باید تا پایان سال ۲۰۲۰ اهداف مشخص خود برای کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی و گازهای آلاینده در دهه آینده را اعلام کنند.

رهبران کشورهای جهان در اجلاس پاریس توافق کردند که میزان گرمایش زمین را در حد ۱.۵ درجه بالاتر از دوران ماقبل صنعتی حفظ کنند. اما دانشمندان و کارشناسان محیط زیست می‌گویند فرصت چندانی باقی نمانده و اگر در سال‌های آینده اقدامات گسترده و عاجلی انجام نشود اهداف معاهده پاریس متحقق نخواهند شد.

کمیسیون اروپا در گزارش خود افزود که تجارت گازهای آلاینده، مکانیزمی که به صنایع اجازه می‌دهد در برابر تولید آلودگی روش‌های جذب گازهای گلخانه‌ای را به صورت اعتبار خریداری کنند در سال ۲۰۱۹ حدود ۹ درصد کاهش یافته که معادل ۱۵۲ میلیون تن دی اکسید کربن است.

این گزارش می‌افزاید: «بخش اعظم این کاهش در نیروگاه‌های تولید انرژی بوده و میزان تولید گازهای آلاینده از طریق جایگزین کردن ذغال سنگ با انرژی‌های تجدید پذیر ۱۵ درصد کاهش یافته است.»

# عربستان «با عبور پروازهای تجاری اسرائیل به امارات از حریم هوایی خود موافقت کرد»

اطلاعات روز: رسانه‌های اسرائیلی گزارش داده‌اند که عربستان سعودی با عبور هواپیماهای تجاری و مسافربری اسرائیل به مقصد امارات از حریم هوایی خود موافقت کرده است.

خبرگزاری رویترز هم به نقل از یک مقام دولت امریکا گفته است که این توافق بعد از مذاکرات جرد کوشنر، مشاور ارشد و داماد دونالد ترمپ، رییس جمهور امریکا، با مقام‌های سعودی به دست آمده است.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، جرد کوشنر به همراه آوی برکوویتز و برایان هوک، نمایندگان ویژه خاورمیانه در دولت امریکا، روز دوشنبه ۳۰ نوامبر به عربستان سفر کردند. رویترز می‌گوید موضوع عبور هواپیماهای اسرائیلی از آسمان عربستان در جلسه‌ای که اندکی بعد از نشستن پرواز آنها تشکیل شد، مطرح شده و یک مقام امریکایی به این خبرگزاری گفته «موفق شدیم که موضوع را حل و فصل کنیم.»

برقراری پروازهای مستقیم بخشی از توافقی است که بعد از عادی‌سازی روابط میان اسرائیل با امارات، بحرین و سودان به دست آمد.

اواسط سپتامبر (دو ماه و نیم پیش) اسرائیل با میانجی‌گری امریکا توافقی برای عادی‌سازی روابط با امارات و بحرین امضا کرد.

«توافق ابراهیم» که با حضور مقام‌های ارشد سه کشور و دونالد ترمپ در کاخ سفید امضا شد زمینه‌ساز برقراری روابط و امضای توافق‌نامه‌های تجاری میان این کشورها شده است. دونالد ترمپ تلاش می‌کند در هفته‌های باقی‌مانده از ریاست جمهوری خود رضایت عربستان را هم برای توافقی مشابه با اسرائیل جلب کند.

هفته گذشته رسانه‌های اسرائیلی گزارش دادند که بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل هم‌زمان با مایک پومپئو به عربستان سفر کرده و با محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان دیدار کرده است.

وزیر خارجه عربستان این دیدار را تکذیب کرد هر چند که رسانه‌ها جزییاتی از این دیدار را هم منتشر کردند. اتحاد علیه جمهوری اسلامی ایران یکی از اهداف اصلی اسرائیل برای برقراری روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس است.

سفر جرد کوشنر به عربستان و قطر هم در حالی صورت می‌گیرد که ترور محسن فخری‌زاده، چهره کلیدی برنامه هسته‌ای و موشکی ایران تنش در منطقه را به دلیل پیامدهای احتمالی و نگرانی از اقدام تلافی‌جویانه ایران بالا برده است.

# تأیید پیروزی بایدن در آریزونا همزمان با انتخاب نخستین وزیر دارایی زن تاریخ امریکا

اطلاعات روز: فرماندار جمهوری‌خواه آریزونا با تایید نتایج انتخابات در این ایالت، پیروزی جو بایدن در آریزونا را رسما اعلام کرده است. در همین حال، آقای بایدن که قرار است از امروز، دوشنبه ۳۰ نوامبر، به طور رسمی از گزارش‌های محرمانه روزانه ویژه رییس‌جمهور برخوردار شود، جنت یلین را به عنوان وزیر دارایی کابینه خود معرفی کرده است. انتخابی که در صورت تایید سنا، برای نخستین بار سکان تیم اقتصادی کاخ‌سفید را به یک اقتصاددان زن خواهد سپرد.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، داگ دوسی، فرماندار آریزونا که هم حزبی دونالد ترمپ است روز دوشنبه همزمان با تایید نتایج انتخابات در این ایالت گفت: «ما در آریزونا بلدیم که چه گونه انتخابات را خوب برگزار کنیم... اینجا امریکاست و هیچ رای‌دهنده‌ای را نباید از حق رای محروم را رانده کرد».

با تکمیل شدن شمارش آرا در این ایالت، جو بایدن در آریزونا با حدود ۱۰ هزار رای توانست دونالد ترمپ را شکست دهد. اما آقای ترمپ به نتایج انتخابات در این ایالت هم همچون چند ایالت دیگر معترض است و بدون ارایه شواهد و مدارک می‌گوید او برنده انتخابات شده است.

یک بدعت دیگر در کابینه جو بایدن

روز دوشنبه، ۳۰ نوامبر، جو بایدن چند پست مهم و کلیدی دیگر در کابینه خود را رسما معرفی کرد و همان طور که رسانه‌های امریکا پیش‌تر خبر داده بودند، جنت یلین، اقتصاددان ۷۴ ساله و مدیرکل سابق بانک مرکزی را به عنوان وزیر دارایی کابینه خود معرفی کرد.

خانم یلین یکی از چند زنی است که جو بایدن برای نخستین‌بار برای پست‌های کلیدی دولتی معرفی کرده است. او روز گذشته هم جن ساکی را به عنوان سخنگوی کاخ سفید برگزید و تمامی اعضای ارشد تیم مطبوعاتی و روابط عمومی کاخ سفید را هم از میان زنان انتخاب کرد.

تیم انتقالی آقای بایدن می‌گوید او بنا دارد با این انتصاب‌ها سدهای تاریخی برابر حضور زنان در سمت‌های عالی دولتی را بشکند.

دفتر رییس‌جمهور منتخب علت انتخاب خانم یلین را چنین بیان کرده است که او با هدف «بیرون آوردن کشور از وضعیت رو به رکود اقتصاد و بازسازی بهتر آن» به دولت جدید خواهد پیوست.

جنت یلین کیست؟

خانم یلین که ۷۴ سال دارد اقتصاددان برجسته‌ای است که در دوره ریاست جمهوری اوباما-بایدن رییس بانک مرکزی امریکا شد و پیش از آن هم در دهه ۹۰ مشاور اقتصادی بیل کلینتون بود.

از خانم یلین به عنوان چهره‌ای کلیدی در پایان دادن به رکود اقتصادی سال ۲۰۰۷ یاد می‌شود.

او همچنین رییس خزانه‌داری امریکا بوده و آن‌طور که گزارش شده تمرکزش بر بررسی چگونگی تاثیر سیاست‌های بانکی بر زندگی کارگران و همچنین مصائب اقتصادی ناشی از افزایش فاصله طبقاتی است.

جو بایدن همچنین کمیته برگزاری مراسم ادای سوگند را هم منصوب کرده است. این کمیته بر آماده‌سازی و برگزاری مراسم سوگند رسمی ریاست‌جمهوری که روز ۲۰ جنوری برگزار خواهد شد نظارت دارد.

دیگر منتخبان جدید کیستند؟

تیم انتقالی آقای بایدن روز دوشنبه همچنین اعلام کرد که بنا دارد چند پست کلیدی دیگر در تیم اقتصادی کابینه او را به کسانی واگذار کند که پیشرو، جسور و آماده ایجاد «تحولات بزرگ» هستند.

یکی از این افراد ولی آدیامو است که قرار است به عنوان معاون وزیر دارایی معرفی شود. آقای آدیامو که متولد نیجریه است، هم اکنون رییس بنیاد باراک اوباما را در دست دارد. سیسیلیا رز هم که یک اقتصاددان است برای دبیرکلی شورای مشاوران اقتصادی انتخاب شده است. در صورت تایید سنا، هر دو نفر نخستین آفریقایی‌تبارانی خواهند بود که به چنین پست‌هایی در دولت امریکا دست پیدا می‌کنند.

آنطور که گزارش شده آقای بایدن همچنین بنا دارد نی‌یرا تاندن را که در دولت باراک اوباما از معماران طرح بیمه همگانی -مقلب به اوباماکر- بود را به عنوان رییس برنامه و بودجه خود معرفی کند.

انتخابی که به علت سابقه اظهارات تند خانم تاندن، از همین حالا مخالفت‌های جدی در کنگره و حتی در میان چپ‌گرایان حزب دموکرات برانگیخته است.

در صورت تایید، نی‌یرا تاندن نخستین زن جنوب آسیایی‌تبار خواهد بود که به ریاست این بخش دولتی می‌رسد.

آن طور که پیش‌بینی شده گرفتن رای اعتماد برای خانم تاندن احتمالا بزرگترین دردسر جو بایدن در رایزنی با مجلس سنا خواهد بود چرا که او در گذشته به علت اظهاراتش در شبکه‌های اجتماعی، هم چپ گرایان حامی برنی سندرز را عصبانی کرده و هم جمهوری‌خواهان را حسابی برآشفته است.

با این حال، آقای بایدن که خود حدود ۴ دهه در مجلس سنا حضور داشته مدعی است که توانایی ایجاد وحدت و گفت‌وگو با جناح مخالف را دارد.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com
• سردبیر چاپی: م.علی جاوید ملکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶
• سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش
• گزارش‌گران و خبرنگاران: ابوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی
• مترجم: جلیل پژواک
• ویراستار: شیر مهریار
• صفحه آرا: رضا مظفری
• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com
• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
• آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲



خبرهای کوتاه

لئو مهمترین بازیکن ماست

# کومان: چرا بازهم به مسی استراحت دادم؟

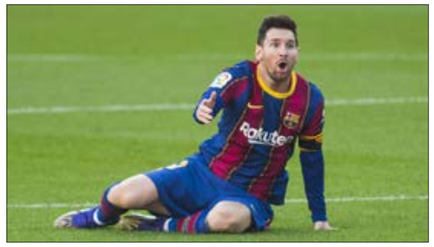

سرمربی بارسا در مورد حذف نام مسی از فهرست بازی با فرانس واروش حرف زد و حاضر نشد در مورد خریدهای زمستانی تیمش صحبت کند.

بارسا پس از دو برد متوالی ۴ گله برابر دینامو و اوساسونا امروز باید به مصاف فرانس واروش مجارستان برود. بازی از هفته ۵ لیگ قهرمانان و در خانه حریف مجار برگزار می شود. بارسلونا ۴ بازی قبلی خود در دور گروهی لیگ قهرمانان را پیروز شده و صعودش قطعی است.

**رونالد کومان در مورد این بازی گفت:«** مهم این بود که از گروه صعود کنیم و این کار را هفته قبل قطعی کردیم ولی ذهنیت بارسا همیشه پیروزی است و اینکه خوب بازی کنیم. هدف ما اول شدن است و باید سه امتیاز را کسب کنیم. هنوز دو بازی دیگر در پیش است.»

**کومان برای این بازی هم به لیونل مسی استراحت داد. تراشتگن و کوتینیو نیز به مجارستان نمی روند. سرمربی هالندی در این رابطه گفت:«** بله؛ استراحت دادن به مسی یک امر رایج نیست ولی باید توجه داشت که تقویمی فشرده و سنگین داریم و مسی باید استراحت کافی داشته باشد. برابر دینامو به او استراحت دادم و تصمیم بر این شد امروز هم استراحت کند. بازی شنبه برابر کادیز برای ما خیلی حساس است و از امروز به بعد احتمالا استراحتی در کار نخواهد بود.»

**اومتیتی و آرائوخو دو مدافع مصدوم بارسا:«** اومتیتی امروز یک بازی با تیم دوم بارسا دارد و دیگر چیزی تا بازگشت فاصله ندارد. آرائوخو هم به مرز بهبودی رسیده و کمی بعد باز می گردد. او یا برابر یوونتوس یا برابر لوانته می تواند ما را همراهی کند. رونالد را ۱۰۰ درصد آماده می خواهم.»

**شرایط جرارد پیکه:«** با جرارد حرف زده ام. من البته پزشک نیستم و در تصمیمش مبنی اینکه جراحی نکند، بی تاثیر بوده ام. در نهایت او تصمیم گرفت جراحی نکند و ما هم به او اطمینان داریم. معتقدم او قبل از پایان فصل بر می گردد.»

**پس گرفتن کارت زرد مسی:«**قوانینی وجود دارند ولی معتقدم حرکت مسی ادای احترام به مارادونا بود و بهتر است این قضیه لحاظ شود.»

**شگفتی از درخشش جوانان:«** نه خیلی زیاد؛ چون اینها مدت هاست با تیم اول تمرین می کنند و بیشترشان محصول آکادمی باشگاه هستند. فلسفه بارسا را می شناسند و به تیم عشق می ورزند. معتقدم وقتی باشگاه پول خرید بازیکن ندارد، بهتر است به جوانان و بازیکنان پایه میدان داد و خوشحالم که جواب هم داده اند.»

**نسخه جدید از مسی:«** لئو همیشه لئو است و برای ما از هر جهت به خصوص در برنامه های تهاجمی اهمیت دارد. وقتی به او توپی می رسد، همه در اطرافش به حرکت در می آیند. او توانایی های فوق العاده ای در پاس دادن و به جلو کشیدن تیم دارد. شاید مثل گذشته نتواند ۳۰ گل بزند ولی هنوز بهترین بازیکن دنیاست و یک ستاره تعیین کننده و بسیار مهم.»

**جذب مهاجم و مدافع:«**ابتدا باید دید چه کسی رئیس بعدی خواهد بود. الان زمان درستی برای این موضوع نیست. از مطرح کردن نام ها نیز خوشم نمی آید.»

خابی مارتینس:

## دوست دارم حضور در تیم دیگری را تجربه کنم

مدافع اسپانیایی بایرن مونیخ بار دیگر به جدایی از این تیم ابراز علاقه نشان داد و تاکید کرد که دوست دارد راهی تیم دیگری شود.

به نقل از اسکای اسپورت، خابی مارتینس از سال ۲۰۱۲ در بایرن مونیخ بازی می کند و دو بار توانسته که با این تیم قهرمانی در سه گانه فوتبال آلمان و اروپا را به دست آورد.

این مدافع ۳۲ ساله در تابستان تا آستانه جدایی از بایرن پیش رفت اما هانس فلیک او را متقاعد کرد که یک فصل دیگر در تیم بماند.

او درباره جدایی از بایرن در فصل نقل و انتقالات زمستانی گفت: الان زمان مناسبی برای سخن گفتن در این زمینه نیست. هر اتفاقی ممکن است که در سال بعد بیفتد. من سالهای بسیار خوبی را با بایرن تجربه کردم و از حضور در این تیم رضایت کامل دارم.

مارتینس ادامه داد: دوست دارم که قبل از بازنشستگی حضور در یک تیم دیگر را تجربه کنم. من تنها امسال با بایرن مونیخ قرارداد دارم. خوشحالم که جزئی از موفقیت تیم در سالهای اخیر بودم.

دافغانستان اسلامی جمهوری دولت
دولت جمهوری اسلامی افغانستان
دکـرهنی، اوبولګولواو مالـداری وزارت
وزارت زراعت، آبیـــاری ومالـــداری
معینیت مالی واداری
ریاست تهیه و تدارکات
آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی

«اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تاسی از ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود که وزارت زراعت، آبیاری و مالداری در نظر دارد تا پروژه {تدارک خدمات اینترنتی به ریاست‌های زراعت، آبیاری و مالداری ۱۱ ولایت کشور} دارای ریفرنس نمبر {MAIL/PD/NCB/NCS-1/1400} را به شرکت محترم افغانستان فیض‌ستلایت کمیونیکیشن به قیمت مجموعی مبلغ (۴،۵۱۴،۴۰۰) چهارمیلیون و پنج‌صد و چهارده‌هزار و چهارصد افغانی اعطا نماید.
اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداری واقع کارته‌سخی، جمال‌مینه، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند.
این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل میعاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.

دافغانستان اسلامی جمهوری دولت
دولت جمهوری اسلامی افغانستان
دکـرهنی، اوبولګولواو مالـداری وزارت
وزارت زراعت، آبیـــاری ومالـــداری
برنامه حمایت از برنامه های ملی دارای اولویت دوم

«اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود،که حمایت از برنامه‌های ملی دارای اولویت دوم SNaPP2 وزارت زراعت، آبیاری و مالداری در نظر دارد، اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد، پروژه (بازسازی سربند آخندزاده‌خیل واقع قریه آخندزاده‌خیل ولسوالی محمدآغه ولایت لوگر) را با شرکت محترم (ساختمانی شاهنوراني) دارای جواز نمبر (۲۷۵۹۸-D) آدرس - مقابل زیارت آغاصاحب‌چونی ناحیه اول مرکز کندهار افغانستان به قیمت مجموعی (۱۲،۰۳۱،۶۸۸.۸۹) دوازده‌میلیون و سی و یک‌هزار و شش‌صد و هشتاد و هشت اعشاریه هشتاد و نه افغانی اعطاء نماید.
اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به آمریت تدارکات برنامه حمایت از برنامه‌های ملی دارای اولویت دوم SNaPP2، وزارت زراعت، آبیاری و مالداری واقع جمال‌مینه ناحیه سوم کابل، افغانستان طبق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارائه نمایند.
این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل میعاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.

دافغانستان اسلامی جمهوری دولت
دولت جمهوری اسلامی افغانستان
دکـرهنی، اوبولګولواو مالـداری وزارت
وزارت زراعت، آبیـــاری ومالـــداری
برنامه حمایت از برنامه های ملی دارای اولویت دوم

«اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود، که حمایت از برنامه‌های ملی دارای اولویت دوم SNaPP2 وزارت زراعت، آبیاری و مالداری در نظر دارد، اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد، پروژه (تهیه و خریداری ابزار باغداری مورد ضرورت ولایت لوگر) را با شرکت محترم برادران نورهروی لمیتد دارای جواز نمبر (۶۷۱) آدرس - آریانامارکیت مرکز کابل افغانستان به قیمت مجموعی (۳،۲۹۹،۳۹۵.۰۰) سه‌میلیون و دوصد و نود و نه‌هزار و سه‌صد و نود و پنج افغانی اعطاء نماید.
اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به آمریت تدارکات برنامه حمایت از برنامه‌های ملی دارای اولویت دوم SNaPP2، وزارت زراعت، آبیاری و مالداری واقع جمال‌مینه ناحیه سوم کابل، افغانستان طبق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارائه نمایند.
این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل میعاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.

دافغانستان اسلامی جمهوری دولت
دولت جمهوری اسلامی افغانستان
دکـرهنی، اوبولګولواو مالـداری وزارت
وزارت زراعت، آبیـــاری ومالـــداری
برنامه حمایت از برنامه های ملی دارای اولویت دوم

«اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود، که حمایت از برنامه‌های ملی دارای اولویت دوم SNaPP2 وزارت زراعت، آبیاری و مالداری در نظر دارد، اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد، پروژه (تهیه و خریداری ابزار باغداری مورد ضرورت ولایت بغلان و پروان) را با شرکت محترم برادران نورهروی لمیتد دارای جواز نمبر (۶۷۱) آدرس - آریانامارکیت مرکز کابل افغانستان به قیمت مجموعی (۵،۴۹۰،۰۰۰.۰۰) پنج‌میلیون و چهارصد و نودهزار افغانی اعطاء نماید.
اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به آمریت تدارکات برنامه حمایت از برنامه‌های ملی دارای اولویت دوم SNaPP2، وزارت زراعت، آبیاری و مالداری واقع جمال‌مینه ناحیه سوم کابل، افغانستان طبق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارائه نمایند.
این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل میعاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.

اطلاعات روز

Wednesday | 02 December 2020 | Year 09 | No 2038

چهارشنبه | ۱۲ قوس ۱۳۹۹ | سال نهم | شماره ۲۰۳۸

# پدری با ۲۵ فرزند

## انصاری‌شناس و شرق‌شناس فرانسوی که زندگی‌اش را وقف کودکان افغان کرد

عابر شایگان
گزارشگر

علی‌رضای شش ساله مثل همه‌ی کودکان از داکتر، سوزن و تیغ جراحی می‌ترسید. در سال ۱۳۵۱ خورشیدی وقتی داکتران جاپانی در شفاخانه‌ی وزیر اکبرخان می‌خواستند به‌دلیل سوءشکل، پایش را عملیات کنند، او زیر بار نمی‌رفت. پدر و مادرش را قبلا از دست داده بود که او را از لحاظ روانی آماده‌ی این عملیات می‌کرد. روزی گذر سرژ دولوژیه دو بورکوی، به آن‌جا می‌افتد؛ پیرمرد مهربان فرانسوی که برای ده‌ها کودک بی‌سرپرست، یتیم، معلول و زخمی افغان پدری می‌کرد. او علی‌رضا را به خانه‌اش می‌برد تا کاری را که باید پدر و مادر نداشته‌اش انجام می‌داد، او انجام دهد.

نزدیک به ۵۰ سال از این اتفاق می‌گذرد. سرژ دولوژیه دو بورکوی، انصاری‌شناس و اسلام‌شناس برجسته‌ی فرانسوی، ۱۵ سال قبل درگذشته است و علی‌رضا همدرد، آن کودک یتیم و بی‌سرپرست، کارمند دانشگاه معتبری در کابل است.

سرژ دو بورکوی، دکتر الهیات، بنیانگذار موسسه‌ی شرق شناسی دومنکین در قاهره، متخصص برجسته‌ی اسلام‌شناسی و تصوف، در سال ۱۹۶۲ به کابل نقل مکان کرد و کارش را به‌عنوان استاد تاریخ عرفان اسلامی و تصوف در دانشگاه کابل آغاز کرد. دیری نگذشت که خانه‌ی خود را به تدریج به پناهگاهی امن برای کودکان خیابانی، یتیم، معلول، زخمی و بی‌سرپرست افغان تبدیل کرد. این کودکان که شمارشان در هر دوره بیش از ۲۰ تن بودند، نه‌تنها که پناهگاه، که یک خانواده‌ی جدید پیدا کرده بودند. دو بورکوی در راس این خانواده، در مقام یک پدر حامی و دلسوز قرار داشت.

علی‌رضا همدرد، ۴۸ سال قبل، کودک یتیمی به‌جامانده از پدر و مادر کوچی بود که آن‌ها را در چهار سالگی‌اش بر اثر نزاع‌های قبیله‌ای از دست داده بود. وقتی سرژ دو بورکوی او را با خود در خانه‌اش در پل محمود کابل برد، ۱۵ کودک دیگر نیز آن‌جا زندگی می‌کردند: «پدر یک قلب بزرگ داشت. وقتی یک کودک را می‌دید که مشکل داشت، نمی‌توانست جلوی خود را بگیرد و به او کمک نکند. برایش کار آسانی بود. می‌گفت به خانه‌ی من بیا. مریضی را که در خانه‌اش می‌آمد، به‌عنوان هدیه‌ی خداوند قبول می‌کرد.»

آقای همدرد، ۵۲ سال دارد و ۱۱ سال عمرش را ــ از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۶۲ خورشیدی ــ در خانه‌ی سرژ دو بورکوی زندگی کرده است. او حالا کارمند بخش فن‌آوری اطلاعات در دانشگاه پلی تخنیک کابل است. شبیه آقای همدرد، ولی حمیدی هم از جمله کودکانی بود که در خانه‌ی سرژ دو بورکوی زندگی کرده است. ولی حمیدی در سال ۱۳۵۹ وقتی ۱۳ سال داشت، پاهایش بر اثر انفجار ماین قطع شد. خانواده‌ای او در پل آرتل کابل در قسمت بالایی کوه، در خانه‌ی محقری زندگی می‌کردند که رفت‌وآمد از راه پر پیچ و خم آن برای ولی ممکن نبود. یکی از کودکانی که در خانه‌ی سرژ دو بورکوی زندگی می‌کرد، ولی را به او معرفی می‌کند: «وقتی پدر بورکوی مرا در شفاخانه علی‌آباد دید، فوری در خانه‌ی خود برد. در خانه‌ی خود از ۲۵ کودک دیگر نیز نگهداری و مواظبت می‌کرد. ما را مکتب می‌فرستاد، پول، دفترچه و قلم می‌داد. در خانه هم برای ما استاد خانگی گرفته بود که در درس‌های مکتب با ما کمک می‌کرد.»

سرژ دو بورکوی، زاده‌ی ۲۸ آگست ۱۹۱۷ در پاریس، از طرف پدر به اشراف قدیمی فرانسه‌تبار تعلق داشت و از طرف مادر به اشراف لهستان. او با هوش و استقلال ذهنی زودرس، از ۱۴ سالگی به تنهایی شروع به تحصیل زبان عربی کرد. بعدا عضو تیم دومینیکن شد که در دهه‌ی ۱۹۵۰ مؤسسه شرق‌شناسی دومینیکن را در قاهره تأسیس کرد. این راهب دومینیکی، در دیر مسیحی قاهره اقامت گزید و همزمان مطالعات خود پیرامون عرفان اسلامی را در این شهر گسترش بخشید و علاقه‌مند خواجه عبدالله انصاری، صوفی و عارف قرن یازده میلادی افغانستان شد و بعدا به دنیای عرفان اسلامی نزدیک شد. در طول ۱۷ سال اقامتش در مصر، زبان فارسی آموخت و موفق به نشر سلسه آثاری با نام انصاریات شد که از جمله شامل دو شرح عربی منازل‌السائرین خواجه انصاری می‌شد. منازل‌السائرین مهم‌ترین اثر خواجه عبدالله انصاری در زمینه عرفان عملی و سیروسلوک است.

اولین سفر سرژ دو بورکوی به کابل در سال ۱۹۵۵ اتفاق افتاد که برای سخنرانی درباره‌ی شخصیت خواجه عبدالله انصاری دعوت شده بود. این سفر برای او آغاز پیوند عمیق با فرهنگ و مردم افغانستان بود که تا آخر عمرش ناگسستنی ماند.

پیشنهاد استادی در دانشگاه کابل، وی را بر آن داشت تا از سال ۱۹۶۲ به کابل نقل مکان کند و در این دانشگاه به‌عنوان تنها کشیش حاضر در این کشور اسلامی، تاریخ تصوف را تدریس کند. سرژ دو بورکوی بعد از مواجه‌شدن با وضعیت ناگوار بسیاری از کودکان افغان، بخش زیادی از وقتش را به نگهداری و مواظبت آن‌ها اختصاص داد. جمع‌آوری، مراقبت، تغذیه، آموزش و عشق‌ورزیدن به کودکان، سرژ دو بورکوی را از پژوهش و کار علمی دور کرد.

لوئیس ماسینیون، شرق‌شناس و اسلام‌شناس برجسته‌ی فرانسوی استاد او و کوربن هنری، فیلسوف و اسلام‌شناس فرانسوی، دوست او بودند. سرژ دو بورکوی مانند آن‌ها، سعی داشت پلی بین تمدن‌ها و فرهنگ‌های شرق و غرب، اسلام و مسیحیت ایجاد کند. او فقط در مکالمه‌ی خصوصی، گاهی مشکل «همگرایی» را مطرح می‌کرده است: «از آن‌جا که فقط یک خدا وجود دارد، چرا چندین دین وجود دارد؟»

او به‌شدت مخالف هر نوع جزم‌گرایی فکری یا دینی بوده و از توسعه‌ی بنیادگرایی اسلامی به‌عنوان یک هیولا صحبت می‌کرده است.

وی پس از ۲۰ سال زندگی در افغانستان، در سال ۱۹۸۳ پس از استقرار رژیم طرفدار روسیه که پسرانش را زندانی و شکنجه کرد و به او اتهام جاسوسی بست، مجبور شد افغانستان را ترک کند. در زمان ریاست جمهوری ببرک کارمل (۱۹۷۹ تا ۱۹۸۶)، سومین رییس‌جمهوری دولت به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، سرژ دو بورکوی به اتهام جاسوسی از فعالیت‌هایش محروم و شش-هفت پسرخوانده‌اش زندانی شد، از جمله عیسا و علی‌رضا. عیسا وقتی کوچک بود، پدر و مادرش را از دست داد و در سال ۱۳۵۱ با دو بورکوی آشنا شد و به خانه‌ی او رفت. بعد از ۱۵ سال زندگی، او به جرم همکاری با دو بورکوی به زندان افتاد. ولی حمیدی اما به‌دلیل معلولیت پایش، شانس آورد و تحت بازجویی و حبس اداره‌ی خدمات امنیت دولتی (خاد) قرار نگرفت. او با کمک دو بورکوی توانست تا صنف دوازدهم در مکتب استقلال درس بخواند اما به‌دلیل معلولیت پا نتوانست تحصیلات عالی‌اش را ادامه دهد. آقای حمیدی، ۵۴ سال دارد و حالا کارمند یک سازمان امدادرسانی در کابل است: «در آن عصر و زمان کمک پدر بورکوی برای ما بسیار موثر بود. در تداوی پای من هم بسیار کمک کرد. به من بسیار خدمت کرد. بورکوی یک آدم خوش‌سلیقه، خوش‌خو و کمک‌کننده بود. به مردم افغانستان بسیار کمک کرد. صرف می‌خواست کمک کند.»

> در زمان ریاست جمهوری ببرک کارمل (۱۹۷۹ تا ۱۹۸۶)، سومین رییس‌جمهوری دولت به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، سرژ دو بورکوی به اتهام جاسوسی از فعالیت‌هایش محروم و شش-هفت پسرخوانده‌اش زندانی شد، از جمله عیسا و علی‌رضا.

نشانه‌های از تعلق خاطر که فرزندخوانده‌های افغان سرژ دو بورکوی به او داشتند، پس از رفتنش نیز برای آن‌ها دردسرساز بود. در نیمه‌ی دوم دهه‌ی هفتاد خورشیدی که رژیم طالبان قدرت را در کابل به دست گرفته بود، وقتی خبر عکسی از ولی حمیدی که با پدر دو بورکوی گرفته بود و در قطع بزرگ روی دیوار خانه‌اش قاب کرده بود، به گوش آن‌ها رسید، پای او را به اتهام «مسیحی‌بودن» به اداره‌ی «امر به معروف و نهی از منکر» دولت خود کشید. همسایه‌های آقای حمیدی به طالبان گزارش داده بودند که او در خانه‌ی یک کشیش مسیحی بزرگ شده و حالا هم عکسی از او روی دیوار خانه‌اش قاب گرفته است: «آمدند مرا در یک صندوق انداختند و بردند. باز تصادفا یک آشنا پیدا شد و مرا از چنگ آن‌ها رها کرد و اگر نه آویزانم (اعدام) می‌کردند. بعد از آن من فرار کردم و دیگر خود را از چشم آن‌ها مخفی کردم.»

یکی از برتری‌های دو بورکوی عدم دخالت به عقاید و باور کودکان تحت سرپرستی‌اش بوده است. فرزندخوانده‌هایش می‌گویند او صادقانه و بدون هیچ چشم‌داشتی آن‌ها را همیاری و کمک می‌کرده است: «پدر می‌توانست راحت دین و مذهب ما را تغییر دهد ولی او هیچ وقت این کار را نکرد. هر کس به راه خود بودیم. یکی از برتری‌های پدر همین بود. پدر هرگز نگفت که من شما را آب و نان می‌دهم و نگهداری می‌کنم، پس به دین من بگروید.»

ایتیان ژیل، معلم و امدادگر فرانسوی که چهار سال با سرژ دو بورکوی در پل محمود کابل همسایه‌ی دیوار به دیوار بوده، می‌گوید خانه‌ی او فضای خوبی برای آشنایی با فرهنگ مردم افغانستان و آموزش زبان فارسی بود: «وقتی در خانه‌اش رفتم، چندین کودک بی‌پناه را بزرگ و نگهداری می‌کرد. همه او را پدر می‌گفتند و در خانه‌اش همه فارسی حرف می‌زدند. خانه‌اش یک فضای مفید برای من برای آشنایی با فرهنگ مردم افغانستان، سنت‌ها و زبان فارسی بود.»

پس از سقوط امارت اسلامی طالبان، سرژ دو بورکوی در سال ۲۰۰۳ به کمک یکی از پسرخوانده‌های افغانش از فرانسه به کابل برمی‌گردد. در خانه‌ی قدیمی‌اش در پل محمود کابل می‌رود و چند روزی دو باره با فرزندخوانده‌هایش زیر یک سقف زندگی می‌کند. ولی حمیدی که در آن دورهمی فراموش‌نشدنی بوده، می‌گوید پدر بورکوی سعی داشت دوباره فعالیت‌های بشردوستانه‌اش را در افغانستان از سر بگیرد: «چند روز باهم بودیم. بسیار خوش بود. می‌خواست تمام عمر در افغانستان باشد و همین جا فوت کند. اما سنش زیاد بود و استخوان پایش را عملیات کرده بود و دیگر امکانات و شرایط از سرگیری کارهای قبلی‌اش را نداشت.»

سرژ دو بورکوی در ۲ مارچ ۲۰۰۵ در فرانسه درگذشت. طبق خواستش روی قبرش جمله‌ای از خواجه عبدالله انصاری با این مضمون نوشته شده‌اند: «اگر به دیدار قبر من می‌آیید، از دیدن رقص این بنای یادبود تعجب نکنید. تنبور خود را بردارید، زیرا غم و اندوه مناسب ضیافت خدا نیست.»

علی‌رضا همدرد که حالا مشکل سوءشکل پایش حل شده می‌گوید اگر پدر دو بورکوی نمی‌بود او حالا نمی‌توانست به‌سادگی راه برود. حالا تنها کاری که او برای پدر بورکوی می‌تواند، دعا است: «همیشه در نماز دعایش می‌کنم چون برای ما زیاد خدمت کرد.»